

«به نام خداوند لوح و قلم»

جزوه قرابت معنایی

۱. شاعر در کدام گزینه از تسلیم و رضای عبد در برابر حضرت حق سخن گفته است؟

(۱) گر بنوازی به لطف و بگدازی به قهر / حکم تو بر من روان زجر تو بر من رواست

(۲) سلسله موی دوست حلقه دام بلاست / هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

(۳) نظیر دوست ندیدم اگرچه از مه و مهر / نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست

(۴) بنده طالع خویشم که درین قحط وفا / عشق آن لولی سرمست خریدار من است

۲. کدام ابیات، با یکدیگر، قرابت معنایی دارند؟

الف- روی به خاک می‌کشم گر تو هلاک می‌کنی / دست به بند می‌دهم گر تو اسیر می‌بری

ب- باز آی و مرا بکش که پیشت مردن / خوشتر که پس از تو زندگانی کردن

ج- گر زر فدای دوست کنند اهل روزگار / ما، سر فدای خاک رسالت‌رسان دوست

د- سری دارم فدای خاک پایت / گر آسایش رسانی و ر گزندم

(۱) الف- د (۲) الف- ج (۳) ج- د (۴) ب- ج

۳. مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می‌شود، به جز:

«اگر پای در دامن آری چو کوه / سرت ز آسمان بگذرد در شکوه»

(۱) گوشه‌ای گیر که از یاد خلاق بروی / نه که از عزلت خود شهرت عنقا یابی

(۲) تا در این زندان فانی زندگانی باشدت / کنج عزلت گیر تا گنج معانی باشدت

(۳) میان ببند چو گردون و گوشه‌ای بنشین / که قطب گشت هر آن کس که گوشه‌ای بگزید

(۴) از شکوه خود سبک کرده است کوه قاف را / هر که چون عنقا ز چشم مردمان پنهان شده

۴. کدام گزینه، مفهوم فکری متفاوتی را دنبال می‌کند؟

(۱) جز خردمند مدان عالم را تخم و بری / همه خار و خس دان هرچه به جز تخم و بر است

۲) گر تو از هوش و خرد یافته‌ای پا و پری / پس خبرگوی مرا ز آنچه برون زین اکر (گره) است

۳) از که پرسی به جز از دل تو بد و نیک جهان / چون همی‌دانی که او معدن علم و فکر است

۴) آن که زی دانا دریای خرد خاطر اوست / اوست دریا و دگر یکسره عالم شمر (آبگیر) است

۵. مفهوم فکری کدام بیت در مقابل آن نادرست بیان شده است؟

۱) غم عشق تو آزادم ز غم‌های جهان دارد / بدان غم کرده‌ای شادم خدایت شادمان دارد (غم‌گرایی)

۲) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است / هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق (بدبینی)

۳) ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی / ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست (عقل‌گرایی)

۴) چرخ بر هم زنم از غیر مرادم گردد / من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک (اختیارگرایی)

۶. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

۱) پایه عزّت، بلندی گیرد از افتادگی / سرور آفاق شد از جبهه‌سای آفتاب

۲) از کریمان هر قدر لطف و تواضع خوش‌نماست / سرکشی و بی‌نیازی از گدا زبیده است

۳) خوشه امید ما خواهد به گردون سرکشید / در زمین خاکساری دانه می‌ریزیم ما

۴) قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن / از کنار ابر تا دریا تنزل بایدش

۷. مفهوم همه ابیات به‌استثنای بیت ... با دو بیت زیر تناسب دارند.

«نهنگی بچه خود را چه خوش گفت / به دین ما حرام آمد کرانه

به موج آویز و از ساحل پرهیز / همه دریاست ما را آشیانه»

۱) در جست‌وجو چو موج سراپیم بی‌قرار / آسودگی خیال محال است پیش ما

۲) بی‌قرارانیم حرف عافیت از ما مپرس / موج ما را نیست بر لب نام ساحل جز گره

۳) از کشاکش‌های موج این محیط آسوده‌ایم / آبروی گوهر ما کوه تمکین بوده است

۴) ما زنده به آنیم که آرام نگیریم / موجیم که آسودگی ما عدم ماست

۸. بیت زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده / به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست»

۱) در دو عالم مقصد و مقصود جان عاشقان / نیست جز خاک درت چون می‌توان زان درگذشت

۲) دوست را هر دو جهان گر چه هوادارند و من / دوست‌تر می‌دارم از هر دو جهان یک موی دوست

۳) بی دوست من از باغ ارم یاد نیارم / و رخت فردوس بود کار ندارم

۴) بهشتم همی عرضه کرد و مرا / حقیقت که دوزخ جز آن چه نبود

۹. کدام بیت، فاقد مفهوم بیت زیر است؟

«صبر بر جور فلک کن تا بر آیی رو سفید / دانه چون در آسیا افتد تحمل بایش»

۱) از صبر تلخ چاره من می‌کند طبیب / بیچاره‌ام چه چاره ز بیچارگی مرا

۲) مکن ز بستگی کار شکوه چون خامان / که صبر غنچه گره را گره‌گشا کرده است

۳) گر چه رنجوری صبوری کن که در دار فنا / هر چه آید بر سر فرزند آدم بگذرد

۴) صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری / سرانجام همه کارت بود از صبر پا برجا

۱۰. کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«پیش کمان ابرویش لابه همی کنم ولی / گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند»

۱) گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست / آن چه البته به جایی نرسد فریاد است

۲) دی گله‌ای ز طره‌اش کردم و از سر فسوس / گفت که این سیاه کج گوش به من نمی‌کند

۳) هر گل نو ز گلرخی یاد همی‌کند ولی / گوش سخن‌شنو کجا دیده اعتبار کو

۴) قصه حسنت شبی می‌گفت از هر در کمال / مه فرود آمد به بام و گوش بر روزن نهاد

۱۱. ابیات زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«نهنگی بچه خود را چه خوش گفت / به دین ما حرام آمد کرانه

به موج آویز و از ساحل بیرهیز / همه دریاست ما را آشیانه»

(۱) گر موج خیز حادثه سر بر فلک زند / عارف به آب تر نکند رخت و پخت خویش

(۲) ما زنده به آنیم که آرام نگیریم / موجیم که آسودگی ما عدم ماست

(۳) صائب از فرد روان باش که چون موج سراب / رو به دریای عدم می برد این قالب‌ها

(۴) تو سعی کن که به روشندلان رسی صائب / که سیل واصل دریا چو شد زلال شود

۱۲. همه ابیات دارای مضامین مشترک‌اند؛ به جز:

(۱) در طبع جهان اگر وفایی بودی / نوبت به تو خود نیامدی از دگران

(۲) آنچه دیدی بر قرار خود نماند / وین چه بینی هم نماند برقرار

(۳) گذر جوی و چندین جهان را مجوی / گلش زهر دارد به خیره میوی

(۴) خاکساران جهان را به حقارت منگر / تو چه دانی که در این گرد سواری باشد

۱۳. کدام بیت، با بیت زیر تقابل مفهومی دارد؟

«طیب، از طلب در دو گیتی میاسا / کسی چون میان دو منزل نشیند»

(۱) گر ز بهر خور و خواب است تو را کوشش / بس به دست گلوی خویش گرفتاری

(۲) کوشش از تن طلب، کشش از جان / جوشش از عشق دان، چشش ز ایمان

(۳) ترک کوشش دامن منزل به دست آوردن است / راه خود را دور می سازی ز کوشیدن چرا

(۴) پیران تلاش رزق فزون از جوان کنند / حرص گدا شود طرف شام بیشتر

۱۴. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«چون قلم از خویش سرها بر تراش / سر بسی خواهد سر و کار سخن»

(۱) دولت به مُلک عشق به هر سر نمی‌رسد / سر تا بریده نیست به افسر نمی‌رسد

(۲) رنگین سخنان در سخن خویش نهانند / از نکهت خود نیست به هر حال جدا گل

(۳) سخن را سر است ای خردمند و بن / میاور سخن در میان سخن

(۴) گوش گران پیکر دهریم و نزد ما / پیغام آشنا به رسیدن نمی‌رسد

۱۵. مفهوم بیت «هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود / بر زبان بند گرانی از تامل بایدهش» با کدام بیت یکسان است؟

(۱) مگوی آن چه طاقت نداری شنود / به جز کشته، گندم نخواهی درود

(۲) به نطق است و عقل آدمی زاده فاش / چو طوطی سخنگوی نادان مباحث

(۳) چو غنچه گرت بسته بودی دهن / دریده ندیدی چو گل پیرهن

(۴) نخواهی که باشی چو دف روی ریش / چو چنگ ای برادر سرانداز پیش

۱۶. مفهوم کدام دو بیت یکسان نیست؟

(۱) نشکنی تا خویش را از دوست کی یابی نشان / هست پیچیدن کلید قفل این گنجینه را

قطره‌آبی که دارد در نظر گوهر شدن / از کنار ابر تا دریا تنزل بایدهش

(۲) مکن تکیه بر مُلک دنیا و پشت / که بسیار کس چون تو پرورد و کشت

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

(۳) خرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست / جبهه‌واکرده‌ای پیوسته چون گل بایدهش

بی‌فایده هر که عمر درباخت / چیزی نخرید و زر بینداخت

(۴) امروز بکش چو می‌توان کشت / کآتش چو بلند شد، جهان سوخت

ای سلیم آب ز سرچشمه ببند / که چو پر شد نتوان بستن جوی

۱۷. پیام کدام بیت در مقابل آن نادرست آمده است؟

(۱) بگرد در همه اسباب و ملک و هستی او / که هیچ چیز نبینی حلال جز خونش (توصیف شخصی که چیزی از خود ندارد).

(۲) نانم افزود و آبرویم کاست / بی‌نواپی به از مذلت خواست (قناعت کردن)

(۳) گر به جای نانش اندر سفره بودی آفتاب / تا قیامت روز روشن کس ندیدی در جهان (خساست)

(۴) پارسایان روی در مخلوق / پشت بر قبله می‌کنند نماز (اهمیت خوشرویی)

۱۸. از کدام بیت، مفهوم «ناتوانی عقل» دریافت می‌شود؟

(۱) با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل / چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است

(۲) گر چه بدنامی است نزد عاقلان / ما نمی‌خواهیم ننگ و نام را

(۳) دل چو از پیر خرد نقل معانی می‌کرد / عشق می‌گفت به شرح آن‌چه بر او مشکل بود

(۴) عقل و دولت قرین یک‌دگرند / هر که را عقل نیست دولت نیست

۱۹. مفاهیم «بی‌زاد و توشه بودن، نکوهش آزمندی، پرورده‌گویی، اوضاع نابسامان» به ترتیب، از کدام ابیات، دریافت می‌شود؟

الف) نان جو خور در بهشت سیرچشمی سیر کن / می‌خوری خون از برای نعمت الوان چرا؟

ب) صدف‌وار گوهرشناسان راز / دهان جز به لؤلؤ نکردند باز

ج) بر شکست قفس جسم از آن می‌لرزی / که سزاوار چمن بال و پری نیست تو را

د) چون ورق برگشت موری شیر را عاجز کند / خط مویی بست دست قهرمان حسن را

(۱) الف، ب، ج، د (۲) ج، ب، د، الف (۳) ج، الف، ب، د (۴) الف، ج، د، ب

۲۰. منظومه زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«دست‌ها می‌سایم / تا دری بگشایم / بر عبث می‌پایم / که به در کس آید»

(۱) مشکل بود گرفتن چیزی ز دست خلق / دست کسی بگیر اگر دست می‌دهد

(۲) هر چند شمع راهروانم چو آفتاب / از احتیاط دست به دیوار می‌کشم

(۳) یا مرا یک روزگاری دست ده / یا که دست از روزگار من بدار

(۴) نشسته‌ام در انتظار این غبار بی‌سوار / دریغ کز شبی چنین سپیده سر نمی‌زند

۲۱. همه مفاهیم داده شده از رباعی زیر دریافت می‌شود؛ به جز:

عمری ز پی کام دل و راحت تن
در داد ندا از بن دندان با من

گشتیم و ندیدیم جز از رنج و محن
راحت‌طلبی ز کام دندان بر کن

(۱) دندان آزار را از کام جهان ریشه کن، کن. (۲) نتیجه تکاپوی دنیوی، اندوهی بیش نیست.

(۳) آسایش بشری در گرو آسودگی دیگران است. (۴) چشم پوشیدن از دنیای فانی، سبب آسایش است.

۲۲. بیت زیر با همه ابیات تقابل مفهومی دارد؛ به جز:

«مرغ دل تا هوا گرفت و رمید
باز با آشیان نمی‌افتد»

(۱) چه بال و پر گشاید در دلِ چون چشم مور من؟ پری زادی که باشد چون قفس ملک سلیمان

(۲) ای که مرا بازداري از سر کوشش ترک چمن کار عندلیب نباشد

(۳) دلی که در قفس سینه طواف کعبه کند چو مرغ قبله‌نما در غم رهایی نیست

(۴) گویند مرا برو از این کوی دل گم کردم کجا روم باز

۲۳. عبارت «چون زنان مصر یوسف را با آن جمال و کمال بدیدند، در چشم ایشان بزرگ آمد؛ همه دست‌ها ببردند و از مشاهده جمال و مراقبت کمال یوسف از دست بردن خود خبر نداشتند.» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- (۱) چو اتصال حقیقی بود میان دو دوست / کجا ز یوسف مصری جدا بود یعقوب
- (۲) نقش دو جهان محو شد از لوح ضمیرم / چون نقش رخس بر ورق دیده کشیدم
- (۳) وصل یوسف ندهد دست به صد جان عزیز / این چه سودای محال است خریداران را
- (۴) پاره گرداند زلیخای صبا / صبحدم بر یوسف گل پیرهن

۲۴. عبارت «در حقیقت، این نی عشق را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه حق بر او اثر می‌گذارد» با مفهوم کدام بیت متناسب نیست؟

- (۱) ما چو چنگیم و تو زخمه می‌زنی / زاری از ما نی، تو زاری می‌کنی
- (۲) گر بپرانیم تیر آن نه ز ماست / ما کمان و تیراندازش خداست
- (۳) ما چو شطرنجیم اندر برد و مات / برد و مات ما ز توست ای خوش‌صفت
- (۴) منگر اندر ما مکن در ما نظر / اندر اکرام و سخای خود نگر

۲۵. مفهوم عبارت «احمق مردا که دل در این جهان بندد که نعمتی بدهد و زشت بازستاند» با همه ابیات به‌جز بیت گزینه ... تناسب مفهومی دارد.

- (۱) جهان را نمایش چو کردار نیست / بر او دل‌سپردن سزاوار نیست
- (۲) بگویشان که جهان، سرو من چو چنبر کرد / به مکر خویش و خود این است کار، کیهان را
- (۳) ساقی بده و بستان داد طرب از دنیا / کاین عمر نمی‌ماند وین عهد نمی‌پاید
- (۴) دل در این پیرزن عشوه‌گر دهر مبند / کاین عروسی است که در عقد بسی دامادست

۲۶. متن زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«زن برخاست و طفلان را به بهانه در خواب کرد و مهمان گمان چنان برد که ایشان با او می‌خورند، تا سیر بخورد و ایشان گرسنه خفتند.»

- (۱) خواستم سوز دل خویش بگویم با شمع / داشت او خود به زبان آنچه مرا در دل بود
- (۲) همچو شمع یک نفس باقی است بی‌دیدار تو / چهره بنما دلبرا تا جان برافشانم چو شمع
- (۳) شمع مسکین نه که سوزنده و سرکش باشد / قسمت این بود که پروانه در آتش باشد
- (۴) شمع بزم‌افروز را از خویشتن سوزی چه باک / او جمال جمع جوید در زوال خویشتن

۲۷. بیت زیر با کدام عبارت، قرابت مفهومی دارد؟

«دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست / جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است»

- (۱) عالم را نشاید که سفاهت از عامی به حلم درگذراند که هر دو طرف را زیان دارد.
- (۲) آتش، گوهر علوی است ولیکن چون به نفس خود هنری ندارد با خاک برابر است.
- (۳) گوهر اگر در خلاب افتد هم‌چنان نفیس است و غبار اگر به فلک رسد همان خسیس.
- (۴) هر که نفسی شریف و گوهری بلند دارد خویشتن را از محل وضع به منزلتی رفیع می‌رساند.

۲۸. مفهوم کدام جمله در مقابل آن نادرست است؟

- (۱) همه چیزی از نادان نگاه داشتن آسان‌تر که ایشان را از تن خویش. (نابودگری جهل)
- (۲) اگر خواهی که ستودهٔ مردمان باشی بر آن کس که خرد زو نهان باشد نهان خویش آشکارا مکن. (اهمیت سکوت)
- (۳) اکنون آموز که جوانی، چون پیر گردی به اندیشیدن حاجت نیاید که پیران چیزها دانند. (تأکید بر تجربه)
- (۴) هر مفلسی که عاشقی ورزد معاینه [آشکارا] در خون خویش سعی کرده باشد. (بلاخیز بودن عشق)

۲۹. مفهوم عبارت «غرض من آن است که تاریخ پایه‌ای بنویسم و بنای بزرگی افرشته گردانم چنان که ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند» با کدام بیت مطابقت معنایی دارد؟

(۱) برافکندم از نظم کاخی بلند / که از باد و باران نیابد گزند

(۲) بدانستم آمد زمان سخن / کنون نو شود روزگار کهن

(۳) یکی نامه بود از گه باستان / فراوان بدو اندرون داستان

(۴) تو این را دروغ و فسانه مدان / به رنگ فسون و بهانه مدان

۳۰. مفهوم عبارت «چه چیز را دشوار پنهان می‌توان داشت؟ آتش را که در روز دودش از راز نهان خبر می‌دهد و در شب، شعله‌اش پرده‌داری می‌کند.» با همهٔ ابیات به‌جز بیت ... تناسب دارد.

(۱) عندلیب گل رخسار دگر خواهم شد / چند گاهی پی دلدار دگر خواهم شد

(۲) بر طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام / خون دل عکس برون می‌دهد از رخسارم

(۳) نشان عشق را بگذار چون آتش به حال خود / که رسوایی شود از پوشش افزون این علامت را

(۴) چو خورشید است پیدا راز عشق از سینهٔ عاشق / نباشد نامهٔ پیچیده، صحرای قیامت را

۳۱. مفهوم جملهٔ آخر عبارت «بدان که هر جا که گل است خارست و با خمر خمارست و بر سر گنج مارست»، در همهٔ ابیات به‌استثنای بیت آمده است.

(۱) بهشت اگرچه نه جای گناهکاران است / بیار باده که مستظهرم به همت او

(۲) بهشت تن‌آسانی آن‌گه خوری / که بر دوزخ نیستی بگذری

(۳) سری به عالم عشقت قدم تواند زد / که پیش تیر بلا سینه را سپر دارد

(۴) چون شانه باش تختهٔ مشق هزار زخم / گر ره در آن دو زلف پریشانت آرزوست

۳۲. عبارت «هنوز تویی تو همراه توست. اگر خواهی که به ما رسی، خود را بر در بگذار و در آی.» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

(۱) خیال خود همه باید ز سر به در کردن / دگر به عالم سودای او گذر کردن

(۲) تا نقش رخ دوست در آینه ببینید / زنگار خود از آینه دل بزدایید

(۳) تا جان میانه من و جانانه حایل است / کی پی برد به سر حقیقت مجاز من

(۴) گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند / نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

۳۳. پیام کدام عبارت در مقابل آن درست نیست؟

(۱) رزق اگرچه مقسوم است، به اسباب حصول آن تعلّق شرط است. (اهمیت تلاش)

(۲) هر که را رنجی به دل رسانیدی از پاداش آن یک رنج ایمن باش که پیکان از جراحت به درآید و آزار در دل بماند. (انتقام و کینه‌ورزی)

(۳) صیاد بی‌روزی ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل بر خشک نمیرد. (اعتقاد به قضا و قدر)

(۴) به جامع کوفه درآدم دلتنگ یکی را دیدم که پای نداشت. شکر نعمت حق به جای آوردم و بر بی‌کفشی صبر کردم. (تأکید بر صبر)

۳۴. مفهوم کدام گزینه در عبارت زیر برجسته است؟

«یکی را از دوستان گفتم: امتناع سخن گفتم به علّت آن اختیار افتاده است که غالب اوقات در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده دشمنان جز بر بدی نمی‌آید.»

(۱) پرهیز از غیبت کردن

(۲) تأکید بر خاموشی و سکوت

(۳) مدارا با دشمن عیب‌جو

(۴) دعوت به گوشه‌گیری

۳۵. مفهوم عبارت «الهی اگر بهشت، چون چشم و چراغ است، بی‌دیدار تو درد و داغ است» در همه

ابیات بیان شده است؛ به جز:

(۱) گر بی تو در بهشت برندم، ز من ز آه / آتش در آن بهشت که گردد جهنمی

(۲) دور از در تو روضه رضوان به ما نساخت / بوی گل و نسیم گلستان به ما نساخت

۳) سینه چون بی آرزو شد، روضه جنت شود / دل چو گردد آب، کار چشمه کوثر کند

۴) وصل تو ما را بهشت ناز و نعیم است / بی تو بهشت برین عذاب الیم است

۳۶. مفهوم کدام گزینه در عبارت زیر نیامده است؟

«پس من دنیا را بدان چاه پرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخها بر شب و روز، و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن اندک و رنج آن بسیار است و راه نجات بر آدمی، بسته می گرداند.»

۱) بترس از آفت دنیا طلب کن راحت عقبی / که درمانی است این بی درد و آن دردی است بی درمان

۲) شهد می دانستم ای نعمت دنیا ولیکن / آزمودم دیدمت یک سر شرنگ جان گزایی

۳) عاشقان را کی غم دنیا بود یا فکر دین / مست جام عشق را با دین و دنیا کار نیست

۴) چیست دنیا؟ چاه و زندانی و ما زندانیان / یک به یک را می برند از چاه و زندان زیر دار

۳۷. مفهوم عبارت «الهی، عقل گوید؛ الحذر، الحذر؛ عشق گوید؛ العجل، العجل» با کدام بیت قرابت

ندارد؟

۱) عقل گوید لنگ شد اسبم بکش لختی عنان / عشق گوید گرم شد رخشم بزن برخی رکاب

۲) خسروا، عشق همی باز و به خوبان می زی / عقل بگذار که او عاقبت اندیش آمد

۳) دعوی عقل و قرار ما هم از دیوانگی ست / ورنه با سودای عشق او که گوید عاقلم

۴) عقل گوید شش جهت حد است و بیرون راه نیست / عشق گوید راه هست و رفته ام من بارها

۳۸. مفهوم کلی عبارت زیر با کدام بیت تناسب دارد؟

«الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است؛ دل از خاک برداشتن دشوار است»

۱) روز محشر چو سر از خاک لحد برداریم / نام نیکوی تو نقش است به پیشانی ما

(۲) ز آه عشق است بسی داغ به پیشانی من / چه کنم؟ کز ازل این نقش به پیشانی بود

(۳) طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی / صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست

(۴) رفتم و از دل نرفت حسرت خاک درت / مردم و آسان نساخت عشق تو دشوار من

۳۹- کدام بیت فاقد مفهوم عبارت «از مرگ ایمن مباش که مرگ نه به پیری بود و نه به جوانی»

است؟

(۱) دانی تو که هر که زاد ناچار بمرد / به از چو من و به از تو بسیار بمرد

(۲) مرگ چون موی از خمیر آسان کشد بیرون تو را / ریشه گر در سنگ داری در دیار زندگی

(۳) مرگ چون موم نرم خواهد کرد / تن ما گر ز سنگ و سندان است

(۴) این جهان بازی گهست و مرگ شب / باز گردی کیسه خالی پر تعب

۴۰. در کدام گزینه عبارت با بیت، قرابت مفهومی ندارند؟

(۱) ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردود همه جهان گشت.

اهرمن از سجده انسان خاکی سر کشید / زان که بود از شعله‌های عشق پنهان بی خبر

(۲) «أنا عرضنا الامانة على السماوات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها و حملها الانسان ...»

عرش آن بار گران سنگ که از دوش انداخت / خاک بی باک، دلیر آمد و بر دوش گرفت

(۳) شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟ معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است.

جلوهای کرد رُخت دید ملک عشق نداشت / عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

(۴) پس، از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد.

خاک دل آن روز که می‌بیختند / شب‌نمی از عشق بر او ریختند

۴۱. عبارت: «چون به پای دارش بردند، گفتند: «حال چیست؟» گفت: «معراج مردان سر دار است.»»،
با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) آفرین بر دل نرم تو که از بهر ثواب / کشته غمزه خود را به نماز آمده‌ای
- (۲) به یک شهادت سربسته مرد احمد باش / که پایمرد سران اوست در سرای جزا
- (۳) اگر جنازه سعدی به کوی دوست در آرند / زهی حیات نکونام و مردنی به شهادت
- (۴) موجه دریا ننگجد در دل تنگ حباب / بگذر از سر جوهر تیغ شهادت را ببین

۴۲. عبارت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«گوهر اگر در خلاب [گنداب] افتد، هم چنان نفیس است و غبار اگر به فلک رسد، همان خسیس.»

- (۱) گر به دیوان غزل صدر نشینم چه عجب / سال‌ها بندگی صاحب دیوان کردم
 - (۲) سرکشان یک‌یک مرید خاکساران می‌شوند / خاک بستان عاقبت سجده‌گه برگ و بر است
 - (۳) کاملان هرگز رواج ناقصان را نشکنند / آب حیوان زان نهان شد تا مگویی بهتر است
 - (۴) سفله، گر ممتاز باشد، صدر را شایسته نیست / جای قفل ار کار استاد است بیرون در است
۴۳. مفهوم متن «بسیار خردمند باشد که مردم را بر آن دارد که بر راه صواب بروند، اما خود بر آن راه که نموده‌است، نرود و چه بسیار مردم بینم که امر به معروف کنند و نهی از منکر و گویند بر مردمان که فلان کار نباید کرد و فلان کار نباید کرد و خویشان را از آن دور بینند»، با کدام بیت متناسب است؟

- (۱) واعظ دهم وعده دیدار به فردا / این قصه شنیدن نتوانم، چه توان کرد
- (۲) واعظ از حد می‌برد یا رب برافکن پرده‌اش / تا بینند اهل عالم کفر پنهان آشکار
- (۳) مستمع چون تشنه و جوینده شد / واعظ ار مرده بود گوینده شد
- (۴) اگر واعظ بود گوید که چون کاه / تو بفکن تا منش بردارم از راه

۴۴. عبارات زیر با کدام بیت متناسب مفهومی دارد؟

«گفتمش بر بخل خداوندانِ نعمت و قوف نیافته‌ای الا به علت گدایی و گرنه هر که طمع یک سو نهد، کریم و بخیلش یکی نماید.»

- (۱) منعم که نظر به حال درویش کند / چندان که طمع کند کرم بیش کند
 - (۲) پیش ما بینی کریمانی که گاه مائده / ماکیان (مرغ) بر در کنند و گربه در زندان سرا
 - (۳) چون تو طمع از جهان بریدی / دانی که همه جهان کریم‌اند
 - (۴) کرم ز بخل به، اما بخیل به ز کریم / بخیل هرگز کس را گدا نمی‌خواهد
۴۵. عبارت «نظر نکنی در بستان که بید مشک است و چوب خشک؟ همچنین در زمره توانگران شاكران‌اند و كفور و در حلقه درویشان صابران‌اند و ضجور»، با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟

- (۱) جان خوش شود چو نور پذیرد ز رای تو / گل بشکفت چو هم‌نفس صبح‌دم شود
 - (۲) قبا گر حریر است و گر پرنیان / به ناچار خشوش بود در میان
 - (۳) در این چمن گل بی‌خار کس نچید آری / چراغ مصطفوی با شرار بوله‌بی است
 - (۴) که در بحر لؤلؤ صدف نیز هست / درخت بلند است در باغ و پست
۴۶. مفهوم عبارت «کار طالب آن است که در خود جز عشق نطلبد. وجود عاشق از عشق است؛ بی‌عشق چگونه زندگانی کند؟ حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب.» با کدام بیت تناسب ندارد؟

- (۱) جز یاد دوست هرچه کنی عمر ضایع است / جز سرّ عشق هرچه بگویی بطلالت است
- (۲) سعدی از عشق نبازد چه کند ننگ وجود / حیف باشد که همه عمر به باطل برود
- (۳) شب‌های بی‌توأم شب گور است در خیال / و بی‌تو بامداد کنم روز محشر است
- (۴) شیر در بادیّه عشق تو روباه شود / آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست

۴۷. متن زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«کجا هستند پادشاهانی که به هنگام نوشیدن ساغر مرگ، در این کاخ‌ها، فرمانروایی می‌کردند؟ چه بناهایی که صبح بر پا بود و عصر ویران گشت.»

- (۱) در تابِ توبه چند توان سوخت همچو عود / می ده که عمر در سر سودای خام رفت
- (۲) گفتم ای مسند جم جام جهان‌بینت کو / گفت افسوس که آن دولت بیدار بخت
- (۳) دهان تنگ شیرینش مگر ملک سلیمان است / که نقش خاتم لعلش جهان زیر نگین دارد
- (۴) عمرتان بادا دراز ای ساقیان بزم جمع / گر چه جام ما نشد پُر می به دوران شما

۴۸. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) من آنم که در پای خوک‌ان نریزم / هر این قیمتی در لفظ دری را
- (۲) گوهر چو روشن است که گوید حدیث سنگ؟ / عنبر چو عاطر است که گردد به گرد کف؟
- (۳) خاصیتی با تو مضمّر است گران‌سنگ / گوهر ارزنده با خزف مده ارزان
- (۴) بر مرد نادان نریزم علوم / که ضایع شود تخم در شوره‌بوم

۴۹. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) به صدق کوش که خورشید زاید از نفست / که از دروغ سیه‌روی گشت صبح نخست
- (۲) راستی آموز بسی جوفروش / هست در این کوی که گندمنماست
- (۳) ز نیرو بود مرد را راستی / ز سستی کژی زاید و کاستی
- (۴) از آن صبح نخستین بی‌فروغ است / که لاف روشنی از وی دروغ است

۵۰. مفهوم همهٔ ابیات به‌جز بیت ... یکسان است.

- (۱) هر که رنجی کشید و گنج نهاد / به ضرورت به دیگران بگذاشت
- (۲) بخور آنچه داری و بیشی مجوی / که از آرزو کاهد همی آبروی
- (۳) خور و پوش و بخشای و راحت رسان / نگه می چه داری ز بهر کسان

۴) بخور، بنوش، بپاش و بدان که حاصل عمر / خرد نداشت کسی کاو به دیگری بگذاشت

۵۲. کدام بیت با مفهوم کلی بیت «توانگرا، چو دل و دست کامرانت هست / بخور، ببخش که دنیا و

آخرت بردی» قرابت معنایی ندارد؟

۱) ورت جاه و مالست و زرع و تجارت / چو دل با خدایست خلوت نشینی

۲) زکات مال به درکن که فضلۀ رز را / چو باغبان بزند بیش تر دهد انگور

۳) به روزگار سلامت شکستگان دریاب / که جبر خاطر مسکین بلا بگرداند

۴) چو سائل از تو به زاری طلب کند چیزی / بده وگرنه ستمگر به زور بستاند

۵۲. کدام بیت با ابیات دیگر قرابت معنایی ندارد؟

۱) بردار حظّ لذّت و عیش و طرب ز عمر / بگذار در بزرگی و جاه و خطر جهان

۲) به موج آویز و از ساحل پرهیز / همه دریاست ما را آشیانه

۳) مهتری گر به کام شیر در است / شو خطر کن ز کام شیر بجوی

۴) از خطر کردن بزرگی و خطر جویم همی / این مثل نشنیده‌ای کاندر خطر باشد خطر

۵۳. مفهوم کدام بیت با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱) از ریاضت دامن مقصود می‌آید به چنگ / گوشمال آخر شود دست نوازش ساز را

۲) گر جوشن تسلیم بود خواب فراغت / در کام نهنگ و دهن شیر توان کرد

۳) به دریا غوطه‌زن گر گوهر شهوار می‌خواهی / که غیر از کف نباشد حاصل از پیرامن دریا

۴) دامن گنج گهر آسان نمی‌آید به دست / گام اول از دهان مار می‌باید گذشت

۵۴. بیت کدام گزینه با متن زیر ارتباط معنایی بیش‌تری دارد؟

«و همه نشست و خاست با جوانان مدار، با پیران نیز مجالست کن و رفیقان و ندیمان پیر و جوان آمیخته

دار تا جوانان اگر در مستی جوانی محالی کنند و گویند، پیران مانع آن محال شوند.»

(۱) به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید / که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها

(۲) راز درون پرده، ز رندان مست پرس / کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

(۳) احوال گنج قارون کایام داد بر باد / در گوش دل فروخوان تا زر نهان ندارد

(۴) چنگ خمیده قامت می خواندت به عشرت / بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد

۵۵. مفهوم عبارت «بهره خویش به حسب طاقت خویش از روزگار خویش بردار» با کدام بیت تناسب دارد؟

(۱) جوان را بود روز پیری امید / نگردد سیه موی گشته سپید

(۲) تا همی چرخ پیر عمر خورد / از جوانی و عمر خود بردار

(۳) روزگار است آن که گه عزت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد

(۴) به حسب طاقت خود طوق دار مدح توام / چرا ز طایفه خاصگان بماندم طاق

۵۶. عبارت «قاضی بسیار دعا کرد و گفت: «این صلت فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد.»» با همه ابیات به جز ... تناسب مفهومی دارد.

(۱) اگر عنقا ز بی برگی بمیرد / شکار از دست گنجشکان نگیرد

(۲) مکن باور که هرگز تر کند کام / ز آب جو نهنک لجه آشام

(۳) عقاب آن جا که در پرواز باشد / کجا از صعوه صیدانداز باشد

(۴) با عقاب تیزچنگ و با همای تیزپر / ابلهی باشد که رقاصی کند کبک دری

۵۷. عبارت «اگر چنان بودی که آن کودک بدان نان تهی قناعت کردی و طمع از حلوای او برداشتی، وی را سگ هم چون خویشنی نبایستی بود.» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

(۱) حلاوت ندارد شکر در نیش / چو دارد تقاضای تلخ از پیش

(۲) لقمه تلخ قناعت ز جهان، قوت تو بس / بهر حلوی کسان کفچه مکن دست طمع

(۳) تا نگرید کودک حلوا فروش / دیگ بخشایش نمی آید به جوش

(۴) حرص توسست این که همه چیز تو را نایاب است / آز کم کن تو که نرخ همه ارزان گردد

۵۸. کدام بیت فاقد مفهوم عبارت «از مرگ ایمن مباش که مرگ نه به پیری بود و نه به جوانی» است؟

(۱) دانی تو که هر که زاد ناچار بمرد / به از چو من و به از تو بسیار بمرد

(۲) مرگ چون موی از خمیر آسان کشد بیرون تو را / ریشه گر در سنگ داری در دیار زندگی

(۳) مرگ چون موم نرم خواهد کرد / تن ما گر ز سنگ و سندان است

(۴) مرگ جهل است و زندگی دانش / مرده نادان و زنده دانایان

۵۹. مفهوم عبارت «تا جوانی جوان باش، چو پیر شدی پیری کن» با کدام بیت متناسب نیست؟

(۱) هوس پختن از کودک ناتمام / چنان زشت ناید که از پیر خام (۲) عیب جوانی نپذیرفته‌اند / پیری و صد عیب چنین گفته‌اند

(۳) ننگ آید عشق را از نور عقل / بد بود پیری در ایام صبی (۴) پیر شدی پیشه پیران پذیر / زشت بود لعب جوانان ز پیر

۶۰. متن: «گفت: اگر خواهی که پاره‌ای حلوا به تو دهم تو سگ من باش و او گفتی: «من سگ توأم». پسر منعم گفت: «پس بانگ سگ کن». آن بی‌چاره بانگ سگ بکردی؛ وی پاره‌ای حلوا بدو دادی ...»، با همه ابیات به جز بیت ... تقابل مفهومی دارد.

(۱) ای قناعت توانگرم گردان / که ورای تو هیچ نعمت نیست

(۲) نیست مور قانع ما در پی تن‌پروری / منت پای ملخ بهر سلیمان می‌کشم

(۳) بیاور لقمه نانی که تا تازه کنم جانی / که خوان جهل و نادانی به هم بر زد مدار من

(۴) به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلق / که بار محنت خود به که بار منت خلق

۶۱. مفهوم حدیث «اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ تَعَالَى الْقَلَمَ» در چند بیت آمده است؟

(الف) اَوَّلُ قَلَمٍ که بر ورق ناز راند یار / بر حرف آشنا خط بیگانگی کشید

(ب) سخن از کاف و نون دم بر قلم زد / قلم بر صفحه هستی قدم زد

(ج) قدر بر لوح هستی چون قلم زد / به اَوَّلُ حرف نام او رقم زد

(د) اَوَّلین زاده قدرت قلم است / که ز نوکش دو جهان یک رقم است

(هـ) بدان گه که لوح آفرید و قلم / بزد بر همه بودنی‌ها رقم

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۶۲. پیام کدام بیت با حکایت زیر دارای ارتباط معنایی است؟

«پیغامبر علیه السّلام فرمود: اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ تَعَالَى الْقَلَمَ، و قلم را فرمود که بر لوح بگردد و بنویس هر چه تا قیامت بخواهد بود؛ پس هر چه خواست آفریدن و خواست بودن تا رستخیز، همه قلم بنوشت به امر حق.»

(۱) در دژ بیستند وز باره تیز / برآمد خروشیدن رستخیز

(۲) قلم بنوشت و غافل می‌داند / که هم لوح و قلم این سر بخواند

(۳) اگر در خواب دنیا خفته مانی / به روز رستخیز آشفته مانی

(۴) شمشیر و قلم حامی ملک‌اند به تحقیق / اما دل بیدار ز شمشیر و قلم به

۶۳. ابیات زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«آب جیحون از نشاط روی دوست / خنگ ما را تا میان آید همی

ای بخارا شاد باش و دیر زی / میر زی تو شادمان آید همی»

(۱) این وطن مصر و عراق و شام نیست / این وطن جایی است کاو را نام نیست

(۲) هوای کوی تو از سر نمی‌رود بیرون / غریب را دل سرگشته با وطن باشد

(۳) سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است درست / نتوان مرد به سختی که من اینجا زادم

(۴) در بحر، هر که ساخت وطن چون حباب، اسیر! / دردسر خرابه ساحل چه می‌کند

۶۴. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) بیدار بخت ما که تو دیدی به خواب رفت / وان عیش‌های خوش که شنیدی فسانه شد

(۲) آن موجه‌ام که بحر پر آشوب روزگار / در هر شکست بال دگر می‌دهد مرا

(۳) زهرخند ای دل، که دور گریه مستانه رفت / روزگار دار و گیر شیشه و پیمانه رفت

(۴) کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم / عصا بیار که وقت عصا و انبان بود

۶۵. کدام بیت با عبارت پایانی متن زیر قرابت مفهومی دارد؟

«ای فرزندان، اهل دنیا جویان سه رُتبت‌اند و بدان نرسند مگر به چهار خصلت؛ و آن چهار که به وسیلت

آن بدین اغراض توان رسید، الفغدن مال است از وجه پسندیده و ...»

(۱) داد به الفغدن نیکی بخواه / زین تن منحوس نگون‌سار خویش (۲) مال کم راحت است و افزون رنج /

لاجرم مال می‌نخواهد عقل

(۳) گر شود عالم پر از خون مال‌مال / کی خورد بنده خدا آلا حلال (۴) در معانی کوش نی در جاه و مال / ز

آن که جاه و مال را باشد زوال

۶۶. در همه گزینه‌ها به جز گزینه ... به یکی از مفاهیم موجود در عبارات زیر اشاره شده است؛

«ای کریمی که بخشنده عطایی، و ای حکیمی که پوشنده خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق

جدایی»

(۱) اگر در دهد یک صلاّی کرم / عزازیل (= شیطان) گوید نصیبی برم

(۲) آن که گر صد نردبان سازد قیاس از وهم صرف / بر نخستین پایه ادراک او نارد گذار

(۳) بلند نام تو هر جا که رفت تحسین یافت / کریم نفس تو با هر که هست احسان کرد

۴) بر رخ عیب سزد پرده و بر چهره زشت / لاجرم حق به خلاق همه ستار آمد

۶۷. همه ابیات به جز بیت ... با متن زیر قرابت معنایی دارند.

«ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای احدی که در ذات و صفات بی‌همتایی و ای قادری که خدایی را سزایی»

۱) ای آن که به روز محتم یار تویی / بر این همه عیب و نقص ستار تویی

۲) چو ذاتش برتر است از هرچه دانیم / چگونه شرح او گفتن توانیم

۳) که داند جز تو غیب و غیب‌دانی / که راز جمله می‌دانی نهانی

۴) یارب چه آفتابی کانجا که پرتو توست / هم وهم تیره گردد هم فهم ابتر آید

۶۸. شاعر در همه ابیات، به استثنای بیت ... توانایی ابلاغ مؤثر اندیشه را درخواست می‌کند.

۱) الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز / در آن سینه، دلی و آن دل همه سوز

۲) دلم پر شعله گردان سینه پردود / زبانم کن به گفتن آتش‌آلود

۳) به سوزی ده کلامم را روایی / کز آن گرمی کند آتش‌گدایی

۴) دلم را داغ عشقی بر جبین نه / زبانم را بیانی آتشین ده

۶۹. ارتباط تصویری همه ابیات به استثنای بیت یکسان است.

۱) آرامگه دل خم مویت دیدم / بینایی دیده خاک کویت دیدم

۲) قرار من همه در زلف بی‌قرار تو باد / که تاب و حلقه او منزل قرار من است

۳) به ادب نافه‌گشایی کن از آن زلف سیاه / جای دل‌های عزیز است به هم بر مزنش

۴) سلسله موی دوست حلقه دام بلاست / هرکه درین حلقه نیست فارغ از این ماجراست

۷۰. مفهوم کدام دو بیت با یکدیگر تفاوت دارد؟

۱) گرچه بی‌فرمانی از حد رفت و تقصیر از حساب / هرچه هستم هم‌چنان هستم به عفو امیدوار

باز می‌گویم نشاید راه نومی‌دی گرفت / پیش انعامش چه باشد عفو چون من صد هزار

(۲) کژ منگر آینه بی‌کاست است / کوری احوال نظر راست است

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد

(۳) خلد گر به پا خاری آسان برآید / چه سازم به خاری که در دل نشیند

تا خار غم عشقت آویخته در دامن / کوتاه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها

(۴) اهل دردی که زبان دل من داند نیست / دردمندم من و یاران همه بی‌دردانند

درد دل خود با که بگویم که یاران / با ما به‌جز از سرزنشی بیش ندارند

۷۱. مفهوم مصراع «درنیابد حال پخته هیچ خام» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

(۱) هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز

(۲) نه بدو ره نه شکیبایی از او / صد هزاران خلق سودایی از او

(۳) همّت طلب از باطن پیران سحرخیز / زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند

(۴) کوتاه‌نظر، غافل از آن سرو بلند است / کاین جامه به اندازه هر کس نبریدند

۷۲. معنی بیت «به رنج و سعی کسی نعمتی به دست آرد / دگر کس آید و بی رنج و سعی بردارد» با

کدام بیت یکسان است؟

(۱) منه ذخیره که بسیار کس ز غایت حرص / نهاد گنج به صد رنج و دیگری برداشت

(۲) با آن که در وجود طعام است عیش نفس / رنج آورد طعام که بیش از قدر بود

(۳) به قدر دانه دهد آرد آسیا بیرون / نبرده رنج مجو کام از میان زنهار

(۴) به اقتضای قضا کار خویش را بگذار / که سعی بیهده پاپوش می‌درد مثل است

۷۳. بیت «با صد هزار جلوه برون آمدی که من / با صد هزار دیده تماشا کنم تو را» با کدام بیت تناسب

مفهومی دارد؟

(۱) تا تماشای جمال خود کند / نور خود در دیده بپنا نهاد

(۲) چرخ با صد چشم چون روی تو دید / صد زبان می‌خواست تا گوید سخن

(۳) حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد / این همه نقش در آیینه اوهام افتاد

(۴) دیدن روی تو را دیده جان‌بین باید / وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است

۷۴. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

(۱) چه خوش است در فراقت همه عمر صبر کردن / که مگر گشاده گردد در دولت وصالی

(۲) یاری به دست کن که به امید راحتش / واجب بود که صبر کنی بر جراحتش

(۳) پس از چندین شکیبایی شبی یارب توان دیدن / که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت

(۴) با فراقت چند سازم برگ تنهاییم نیست / دستگاه صبر و پایاب شکیباییم نیست

۷۵. بیت زیر با کدام بیت، تقابل مفهومی دارد؟

«همّتم بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم»

(۱) در بیابان فنا گم شدن آخر تا کی / ره پیرسیم مگر پی به مهمّات بریم

(۲) سعی نابرده در این راه به جایی نرسی / مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد بـبر

(۳) به سعی خود نتوان برد پی به گوهر مقصود / خیال باشد این کار بی‌حواله برآید

(۴) آخر از همراهی خضر به چاه افتادم / وقت آن خوش که از او راهنما برگردد

۷۶. مفهوم کلی همه ابیات یکسان است، به جز:

(۱) گر بنده باخبر شود از بحر رحمتش / با عفو خواجه هیچ گناهی عظیم نیست

(۲) چندان به لطف دوست دلم شد امیدوار / کز خصمی رقیب مرا هیچ بیم نیست

(۳) لعل تو نرخ بوسه مگر نقد جان کند / ورنه به قدر سنگ تو در کیسه، سیم نیست

۴) طومار جرم ما همه از جام باده شست / یا رب که گفت ساقی مستان کریم نیست

۷۷. مفهوم همه ابیات به استثنای گزینه ... قرابت دارد.

- ۱) در آدمی هنری به ز عشق نتوان یافت / اگر به عشق نه‌ای زنده، مرده‌ای در گور
- ۲) عشق تو مرا از دو جهان ساخت مجرّد / ای عشق گران‌مایه و ای دولت سرمد
- ۳) مرده دل است آن که نیست زنده به مینای عشق / زنده دل مرده را زنده مخوان زینهار
- ۴) هر کس که نیست زنده به عشق تو، مرده به / خود مرده پیش زنده‌دلان از فسرده به

۷۸. مفهوم کدام رباعی متفاوت است؟

- ۱) جامی است که عقل آفرین می‌زندش / صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف / می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش
- ۲) ما لعبت‌کانیم و فلک لعبت‌باز / از روی حقیقتی نه از روی مجاز
یک چند در این بساط بازی کردیم / رفتیم به صندوق عدم یک یک باز
- ۳) نیکی و بدی که در نهاد بشر است / شادی و غمی که در قضا و قدر است
با چرخ مکن حواله کاندلر ره عقل / چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است
- ۴) ای چرخ فلک خرابی از کینه‌توست / بیدادگری پیشه‌دیرینه‌توست
ای خاک اگر سینه‌تو بشکافند / بس گوهر قیمتی که در سینه‌توست

۷۹. ابیات دوگانه همه گزینه‌ها به جز گزینه ... مفهوم مشترک دارند.

- ۱) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل / کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها
گرداب هایل و شب تاریک و بیم موج / پی شد امید ساحلم ای دیده خون بریز
- ۲) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها

سفر دراز نباشد به پای طالب دوست / که خار دشت محبت گل است و ریحان است

۳) برگزین از کارها پاکیزگی و خوی نیک / کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید

رو به اخلاق نکو کوش که کام دو جهان / حاصل از بهر تو در نیکی اخلاق آید

۴) مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم / دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

جهان گر هستی‌ای دارد ز یمن دولت عشق است / چو عین عشق گردی تا جهان باشد تو هم باشی

۸۰. بیت کدام گزینه با عبارت زیر ارتباط معنایی دارد؟

«حیات از عشق می‌شناس، و ممات بی‌عشق می‌یاب.»

۱) من همان دم که وضو ساختم از چشمهٔ عشق / چار تکبیر زدم یکسره بر هرچه که هست

۲) به عزم مرحلهٔ عشق پیش نه قدمی / که سودها کنی ار این سفر توانی کرد

۳) هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

۴) زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت / کان که شد کشتهٔ او نیک سرانجام افتاد

۸۱. متن «هر چند که می‌کوشم که از عشق در گذرم، عشق مرا شیفته و سرگردان می‌دارد و با این همه،

او غالب می‌شود و من مغلوب، با عشق کی توانم کوشید؟» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

۱) من حاصل عمر خود ندارم جز غم / در عشق ز نیک و بد ندارم جز غم

۲) ما را چه باک در ره عشق تو از رقیب؟ / تدبیر او به آه سحر کرده‌ایم ما

۳) عاشقانی که ز جان در ره جانان گذرند / بادهٔ وصل همه از کف جانانه زدند

۴) ما سپر انداختیم با تو که در جنگ دوست / زخم توان خورد و تیغ بر نتوان آختن

۸۲. مفهوم مقابل عبارت «مرد اگرچه در صورت قبحی داشت، به جمال محاسن خصال هرچه آراسته‌تر

بود.» در کدام بیت مشاهده می‌شود؟

۱) منم حاصل از آن شربت که بر مستان زند ضربت / مرا باطن چو نار آمد تو را ظاهر چنان آمد

۲) باطن را لاله سازد ظاهر را ارغوان / یک دمت سازد قزلبک یک دمت صارو کند

۳) گرچه باشد به ظاهر آن همه خوب / لیک باطن بود همه معیوب

۴) به تن این جا میان بسته چو نایی / به باطن همچو باد بی قراری

۸۳. کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی دارد؟

«این تدبیر بابت خردمندان نیست؛ چه خردمند قصد دشمن بر وجهی کند که در آن خطری نباشد.»

۱) ز علّت مدار ای خردمند بیم / چو داروی تلخت فرستد حکیم

۲) بی گمان باش خردمند که در راه یقین / خردت راست رود با تو، گمانت به وریب (کج)

۳) در مقامی که رسد زو به دل و جان آسیب / نبود جان خردمند به رفتن خرسند

۴) کمال نفس خردمند نیکبخت آن است / که سر گران نکند بر قلندر قماش

۸۴. مفهوم بیت کدام گزینه با عبارت «مرد اگرچه در صورت، قبحی داشت، به جمال محاسن خصال

هرچه آراسته تر بود.» متفاوت است؟

۱) صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار

۲) اهل معنی همه از حالت من حیرانند / بس که حیرت زده صورت زیبای توام

۳) اگر هوشمندی به معنی گرای / که معنی بماند نه صورت به جای

۴) مرا گویی که از معنی نظر کن / رها کن صورت نقش و پلنگت

۸۵. واژه «چه» در همه گزینه ها دارای مفهومی مشابه مفهوم آن در عبارت «چه خردمند قصد دشمن بر

وجهی کند که در آن خطر نباشد» است به جز گزینه ...

۱) ای فرزند، هنر آموز، چه بی هنر همه جا خوار است.

۲) چه اگر این معنی بر وی پوشیده بماند انتفاع او از آن صورت نبندد.

۳) چه در جهان بقعتی نیست نزهت تر از گرگان و طبرستان.

۴) ز نیکوسخن به چه اندر جهان / به نزد سخن‌سنج فرخ مهان

۸۶. عبارت «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» با ابیات کدام گزینه برابری می‌کند؟

الف) حق بدید آن جمله را نادیده کرد / تا نگردم در فضاغت روی زرد

ب) در سینه‌ها برخاسته، اندیشه را آراسته / هم خویش حاجت خواسته، هم خویشتن کرده روا

ج) پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما / آینه کی برهم خورد از زشتی تمثال‌ها؟

د) ورای طاعت دیوانگان ز ما مَطْلَب / که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست

۱) الف - د ۲) ج - الف ۳) ج - ب ۴) د - ج

۸۷. کدام بیت با توصیف متن زیر تناسب ندارد؟

«شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفتمی که خردۀ مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش آویخته.»

۱) هر کجا درنگری سبزه بود پیش دو چشم / هر کجا درگذری گل سپری زیر قدم

۲) به شود حلقه به گوش تو که گردن‌بندی / فلک‌افروزتر از عقد ثریا داری

۳) با حسن باغ و فرّ بهار و جمال گل / نیکوست حال ما که نکو باد حال گل

۴) تاک کهن‌سال بین چه خوش جوان آمده / خوشۀ انگور وی وقت روان آمده

۸۸. با توجه به عبارت «مرد اگر چه در صورت، قبحی داشت، به جمال محاسن خصال هر چه آراسته‌تر بود، نقش از روی کار بازخواند، با خود گفت: خسرو در این پرگار عیب نقاش کرده است و ندانسته که رشته گران فطرت را در کارگاه تکوین بر تلوین، یک سر سوزن خطا نباشد، او را با سر رشته راستی افکنم تا متنبه شود.» مرد، فاقد کدام ویژگی بود؟

۱) نیک‌خویی ۲) نیک‌منظری ۳) نیک‌اندیشی ۴) تیزهوشی

۸۹. مفهوم عبارات: «او بنده خود را عاشق خود کند، آن‌گاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محبّ مایی و ما معشوق و حبیب توایم.» در کدام بیت، یافت می‌شود؟

(۱) هرچه محبوبم کند من کرده‌ام / او منم من او چه گر در پرده‌ام

(۲) در من نرسی تا نشوی یک با من / کاندر ره عشق یا تو گنجی یا من

(۳) آن‌جا که تویی من آمدن نتوانم / و این‌جا که منم تو خود نیایی دانم

(۴) چندان ناز است ز عشق تو در سر من / کاندر غلطم که عاشقی تو بر من

۹۰. عبارات زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«گفت: ای که توانگران را ثنا گفתי و بر درویشان جفا روا داشتی، بدان که با خمر خمارست و بر سر گنج مارست.»

(۱) تا گل روی تو دیدم همه گل‌ها، خارند / تا تو را یار گرفتم همه خلق اغیارند

(۲) هرکه دریابد نشاط بادۀ تلخ فنا / بوسه بر لب‌های خنجر چون لب میگون دهد

(۳) غافل ز حال گوشه‌نشینان کجا شود؟ / آن کس که آب و دانه به مرغ قفس دهد

(۴) تا نگردد خانۀ زنبور دل از زخم نیش / نیست ممکن در گلستان جهان نوشت دهند

۹۱. مضمون کلی عبارت: «[اینان] چون ابر آذارند و نمی‌بارند و چشمۀ آفتاب‌اند و بر کس نمی‌تابند، بر مرکب استطاعت سوارند و نمی‌رانند.» با بیت ... تناسب دارد.

(۱) از دست تهی کرم نیاید / هر چند دلش جواد باشد

(۲) به دست تهی برنیاید امید / به زر برکنی چشم دیو سپید

(۳) زر اندر کف مرد دنیاپرست / هنوز ای برادر به سنگ اندر است

(۴) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی‌مغز و پوست

۹۲. بیت مصداق و استشهادی بعد از عبارت «سیم بخیل از خاک وقتی برآید که وی در خاک رود.» کدام است؟

(۱) با گرسنگی قوت پرهیز نماند / افلاس عنان از کف تقوا بستاند

۲) به رنج و سعی کسی نعمتی به دست آرد / دگر کس آید و بی‌رنج و سعی بردارد

۳) خداوند مکنّت به حق مشغّل / پراگنده روزی پراگنده دل

۴) آن را که عقل و همّت و تدبیر و رای نیست / خوش گفت پرده‌دار که کس در سرای نیست

۹۳. مفهوم عبارت «محال عقل است که اگر ریگ بیابان در شود، چشم گدایان پر شود.» با همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ... تناسب معنایی دارد.

۱) اگر نعشی دو کس بر دوش گیرند / لئیم‌الطبع پندارد که خوانی است

۲) اگر ژاله هر قطره‌ای در شدی / چو خرمهره بازار از او پر شدی

۳) دیدهٔ اهل طمع به نعمت دنیا / پر نشود هم‌چنان که چاه به شبنم

۴) سگی را گر کلوخی بر سر آید / ز شادی بر جهد کاین استخوانی است

۹۴. کدام بیت تشابه مفهومی بیش‌تری با عبارت «مالی به مشقّت فراهم آرند و به خست نگاه دارند و به حسرت بگذارند.» دارد؟

۱) نفس خسیس حرص‌خو، عاشق مال و گفت‌وگو / یافت به گنج رحمت از دو جهان فراغتی

۲) چو گل‌گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن / که قارون را غلط‌ها داد سودای زراندوزی

۳) بدهد درم‌ها در کرم او نافریده است آن درم / از مال و ملک دیگری مردی کجا باشد سخا

۴) در حسرت آنم که سر و مال به یک‌بار / در دامنش افشانم و دامن نفشانم

۹۵. مفهوم حدیث «اول ما خلق الله تعالی القلم» در چند بیت آمده است؟

الف) اول قلم که بر ورق ناز راند یار / بر حرف آشنا خط بیگانگی کشید

ب) سخن از کاف و نون دم بر قلم زد / قلم بر صفحهٔ هستی قدم زد

ج) قدر بر لوح هستی چون قلم زد / به اول حرف نام او رقم زد

د) اولین زادهٔ قدرت قلم است / که ز نوکش دو جهان یک رقم است

هـ) بدان‌گه که لوح آفرید و قلم / بزد بر همه بودنی‌ها رقم

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۹۶. مفهوم کدام بیت با عبارت «اگر مقبول بود به ردّ خلق مردود نگردد و اگر مردود بود به قبول خلق مقبول نگردد.» از ابوالقاسم قشیری در حقّ حلاج تناسب ندارد؟

(۱) کسی را که قهر تو در سر فکند / به پامردی کس نگردد بلند

(۲) سری کز تو گردد بلندی‌گرای / به افکندن کس نیفتد ز پای

(۳) یکی را ز گردون دهد بارگاه / یکی را ز کیوان درآرد به چاه

(۴) کسی را که یزدان نگه‌دار شد / چه شد گر بر دیگری خوار شد

۹۷. عبارات: «پس پاهایش ببریدند؛ تبسمی کرد و گفت: «بدین پای، سفر خاک می‌کردم؛ قدمی دیگر دارم که هم اکنون سفر هر دو عالم کند. اگر توانید آن قدم ببرید.»»، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

(۱) یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران / تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند

(۲) می‌نماید که جفای فلک از دامن من / دست کوتاه نکند تا نکند بنیادم

(۳) خواجه ز بحر عشق کران چون توان گرفت / زیرا که کس نگفت که آن را کران کجاست

(۴) مرغی که رمیدن ز جهان بال و پر اوست / از عرش گذشتن سفر مختصر اوست

۹۸. مفهوم کدام بیت به متن زیر اشاره دارد؟

«و بدان که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید؛ چنان‌که پیغامبر (ص) فرمود: اول ما خلق الله تعالی القلم، و قلم را فرمود که بر لوح بگردد و بنویس ...»

(۱) قدر بر لوح هستی چون قلم زد / به اوّل حرف نام او رقم زد

(۲) نخستین که نوک قلم شد سیاه / گرفت آفرین بر خداوند ماه

(۳) قلم اوّلین زاده قدرت است / نگارنده دفتر حکمت است

(۴) از کمان عشق جانان چون قلم / سر نهی اول به راه آن‌گه قدم

۹۹. بیت «هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق / بر او نمرده به فتوای من نماز کنید» با

کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟

(۱) زنده نه آن است که جانی در اوست / اوست که از عشق نشانی در اوست

(۲) زنده که عاشق نبود زنده نیست / زندگی عشق عجب زندگی است

(۳) دل چو افسرده شد از سینه برون باید کرد / مرده هرچند عزیز است نگه نتوان داشت

(۴) هر که از عشق گشت زنده نمرد / که اجل جان زیرکان را برد

۱۰۰. مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

(۱) پرویز کنون گم شد ز آن گم‌شده کم‌تر گوی / زرین‌تره کو بر خوان؟ رو «کم ترکوا» برخوان

(۲) بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار / که با وجود تو کس نشنود ز من که منم

(۳) جمیله‌ای‌ست عروس جهان ولی هشدار / که این مخدره در عقد کس نمی‌آید

(۴) فی الجملة اعتماد مکن بر ثبات هیچ / کاین کارخانه‌ای است که تغییر می‌کنند

۱۰۱. مفهوم جمله پایانی عبارت «ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی» در

کدام گزینه دیده می‌شود؟

(۱) خدای راست مسلم بزرگواری و حلم / که جرم بیند و نان برقرار می‌دارد

(۲) یکی را ز ماه اندر آری به چاه / یکی را ز چاه اندر آری به ماه

(۳) برآورده مردم ز بیرون خروش / تو با بنده در پرده و پرده‌پوش

(۴) وصف حق، حق به خود تواند گفت / این گهر را خرد نداند سفت

۱۰۲. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) می‌شود هر کس به مقدار تواضع سربلند / قطره ناچیز گردد گوهر از افتادگی

۲) سیل از افتادگی دیوار را از پا فکند / سرکشان را روی می‌مالد مدارا بر زمین

۳) مسیح بر فلک از راه خاکساری رفت / پیاده هر که شد این‌جا فلک‌سوار شود

۴) قطره‌آبی که دارد در نظر گوهر شدن / از کنار ابر، تا دریا تنزل بآیدش

۱۰۳. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

۱) بیدار بخت ما که تو دیدی به خواب رفت / وان عیش‌های خوش که شنیدی فسانه شد

۲) آن موجه‌ام که بحر پر آشوب روزگار / در هر شکست بال دگر می‌دهد مرا

۳) زهر خند ای دل، که دور گریه‌مستانه رفت / روزگار دار و گیر شیشه و پیمانه رفت

۴) کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم / عصا بیار که وقت عصا و انبان بود

۱۰۴. عبارت «توحید عارف یعنی وجود حقیقی منحصر به خداست، جز خدا هرچه هست نمود است نه

بود. توحید عارف یعنی جز خدا هیچ نیست.» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

۱) معنی یکی و صورت او در ظهور، صد / چه جای او که صورت او هست بی‌عدد

۲) مسخرت نشود تختگاه ملک وجود / مگر گهی که زنی خیمه بر جهان عدم

۳) کی سر مویی زبانم گردد از ذکر جدا / کز وجودم هر سر مویی زبانی ذاکر است

۴) تا معتکفان حرم کعبه وحدت / خود را شناسند خدا را شناسند

۱۰۵. کدام بیت در مورد تربیت، مفهوم مقابل بیت زیر را بیان می‌کند؟

«گرچه دانی که نشنوند بگوی / هرچه دانی ز نیک‌خواهی و پند»

۱) بر سر لوح او نبشته به زر / جور استاد به ز مهر پدر

۲) هیچ صیقل نکو نخواهد کرد / آهنی را که بدگهر باشد

۳) چوب تر را چنانکه خواهی پیچ / نشود خشک جز به آتش راست

۴) با عزیزی نشست روزی چند / لاجرم همچو گرامی شد

۱۰۶. ویژگی‌های فکری مقابل کدام بیت نادرست است؟

- (۱) ز فضلش هر دو عالم گشت روشن / ز فیضش خاک آدم گشت گلشن (عرفان و حس دینی)
- (۲) منم که گاه کتابت سواد شعر مرا / فلک سزد که شود دفتر و ملک وراق (مفاخره)
- (۳) گفتا که که را کشتی تا کشته شدی زار؟ / تا باز که او را بکشد آن که تو را کشت؟ (پند و نصیحت عملی)
- (۴) زین خبر زلف تو شاد است به رنگش منگر / کاین سیه‌جامگی از کفر است از ماتم نیست (شادی و خوش‌باشی)

۱۰۷. مفهوم همهٔ ابیات به‌جز بیت ... یکسان است.

- (۱) هر که رنجی کشید و گنج نهاد / به ضرورت به دیگران بگذاشت
 - (۲) بخور آنچه داری و بیشی مجوی / که از آرزو کاهد همی آبروی
 - (۳) خور و پوش و بخشای و راحت رسان / نگه می‌چه داری ز بهر کسان
 - (۴) بخور، بنوش، پیاش و بدان که حاصل عمر / خرد نداشت کسی کاو به دیگری بگذاشت
۱۰۸. مفهوم مقابل عبارت «مرد اگرچه در صورت قبحی داشت، به جمال محاسن خصال هرچه آراسته‌تر بود.» در کدام بیت مشاهده می‌شود؟

- (۱) منم حاصل از آن شربت که بر مستان زند ضربت / مرا باطن چو نار آمد تو را ظاهر چنان آمد
- (۲) باطن را لاله سازد ظاهرت را ارغوان / یک دمت سازد قزلبک یک دمت صارو کند
- (۳) او به ظاهر واعظ احکام بود / لیک در باطن صغیر و دام بود
- (۴) به تن این‌جا میان‌بسته چو نایی / به باطن همچو باد بی‌قراری

تست‌های پایهٔ یازدهم

۱۰۹. شاعر ابیات زیر، در اشعار خود بر کدام مفاهیم تأکید کرده است؟

«مرد آزاده در میان گروه / گرچه خوش خو و عاقل و داناست

محترم آنکهی تواند بود / که از ایشان به مالش استغناست»

(۱) قناعت - تلفیق عشق و عرفان (۲) انتقاد اجتماعی - بیان ناملایمات روزگار

(۳) انتقاد اجتماعی - بی‌اعتباری دنیا (۴) بی‌اعتباری دنیا - قناعت

۱۱۰. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات قرابت ندارد؟

(۱) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد / اول بلا به مرغ بلندآشیان رسد

(۲) هر که در این بزم مقرب‌تر است / جام بلا بیشترش می‌دهند

(۳) رو تن به بلا ده که دگر بیم بلا نیست / مرغ قفسی کشمکش دام ندارد

(۴) چون تیر عشق جا به نشان بلا کند / اول نشست بر دل اهل ولا کند

۱۱۱. با توجه به قلمرو فکری سبک عراقی مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) تخت بر اجرام نه رخت بر افلاک بر / لایق تخت تو نیست عرصه این خاکدان

(۲) سرای خانه گیتی که خانه دو در است / در او اساس اقامت منه که رهگذر است

(۳) آن که گویند که بر آب نهاده است جهان / مشنوی خواجه که چون در نگری بر باد است

(۴) به بار نامه دنیا مشو فریفته، کان / نه دولتی است که بس پایدار خواهد ماند

۱۱۲. مفهوم کدام بیت در مقابل آن نادرست است؟

(۱) کدام ابر شنیدی به گوهرافشانی / به سان دیده خواجه گرت حیاست بگو (کثرت اشک)

(۲) خواجه اگر عاشقی حاجت گفتار نیست / گونه زردت بس است شرح غمت را بیان (ظاهر نشانگر باطن است)

(۳) ز بحر عشق اگر دست می‌دهد خواجه / کنار گیر که آن را کران نمی‌بینم (گسترده‌گی و بلاخیز بودن عشق)

۴) تا بود در چشم آن لب خواب چون آید مرا؟ / زان که گویی دارم اندر دیده گریان، نمک (جفای معشوق در حق عاشق)

۱۱۳. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

۱) گفتند خودی تو در این راه حجاب است / ترک خودی خویش به یک بار گرفتیم

۲) چون نظر از بینش توفیق ساخت / عارف خود گشت و خدا را شناخت

۳) مرد باید راهرو از پیش خود برخاسته / کو به ترک جان بگوید طالب جانان بود

۴) تا در غم عشق دوست چون آتش و آب / از خود نشوی نیست به هستی نرسی

۱۱۴. بیت «بانگ زد یارش که بر در کیست آن؟ / گفت بر در هم تویی ای دلستان» با کدام گزینه تناسب بیش‌تری دارد؟

۱) چو دست بر سر زلفش زنم به تاب رود / ور آشتی طلبم با سرِ عتاب رود

۲) طریق عشق پر آشوب و فتنه است ای دل / بیفتد آن که در این راه با شتاب رود

۳) گدایی در جانان به سلطنت مفروش / کسی ز سایه این در، به آفتاب رود

۴) حجاب راه تویی حافظ از میان برخیز / خوشا کسی که در این راه بی حجاب رود

۱۱۵. مفهوم همه ابیات به جز بیت گزینه ... یکسان است.

۱) دل ظالم از آب چشم مظلومان نیندیشد / ز اشک هیزم تر آتش سوزان نیندیشد

۲) به آهی ریزد از هم تار و پود هستی ظالم / نسیمی می‌زند بر یکدگر زلف پریشان را

۳) نسوزد برق تا خود را نسوزاند گیاهی را / ز مظلومان پس از جان ستمگر دود می‌خیزد

۴) چنین گیرد اگر دنبال ظالم اشک مظلومان / برآرد جوش طوفان چون تنور نوح از گورش

۱۱۶- عبارت زیر با کدام بیت، ارتباط مفهومی دارد؟

«حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب.»

(۱) آتش گل همیشه بهار است عشق را پروانه را به سیر گلستان چه حاجت است

(۲) گر برآرد عشق دود از عقل جای رحم نیست خانه زنبور کافر مستحق آتش است

(۳) از عشق محال است که دل‌ها نشود آب هر گل که در این باغ بود خرج گلاب است

(۴) هر چه جز گوهر عشق است در این بحر کف است هر حیاتی که نه در عشق سرآید تلف است

۱۱۷. پیام کدام بیت در مقابل آن صحیح نیست؟

(۱) چگونه گوش توان کرد بر خردمندان / گهی که عشق شود غالب و خرد مغلوب (برتری عشق بر عقل)

(۲) سر کویت ز آب چشم مهجوران فرات / سر انگشتت به خون جان مشتاقان خضاب (فراق)

(۳) آن که گویند که بر آب نهاده است جهان / مشنوی خواجه که چون درنگری بر باد است (بی‌اعتباری دنیا)

(۴) وقت رفتن گر روم با آتش عشقت به خاک / روز محشر در برم بینی دل خونین کباب (ستایش عشق)

۱۱۸. عبارت زیر با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

«وقتی در بیابانی راه گم کرده بودم و از زاد با من چیزی نبود. ناگاه کیسه‌ای یافتم پر مروارید. هرگز آن ذوق و شادی فراموش نکنم که پنداشتم گندم بریان است و باز آن تلخی که ندانستم که مروارید است.»

(۱) نماند جانور از وحش و طیر و ماهی و مور / که بر فلک نشد از بی‌مرادی افغانش

(۲) مرد بی‌توشه کاوفتاد از پای / بر کمر بند او چه زر چه خزف (خرمهره)

(۳) هم رقعہ دوختن به و الزام کنج صبر / کز بهر جامه رقعہ بر خواجگان نبشت

(۴) ز دیگ‌دان لئیمان چو دود بگریزند / نه دست کفچه کنند از برای کاسهٔ آش

۱۱۹. بیت «پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما / آئینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها» با کدام بیت مفهوم یکسانی دارد؟

(۱) گر سخن گویم ز چین زلف تو / از سرکین چین در ابروی افکنی

(۲) دلم محبتِ ابنای روزگار گرفت / فغان که آینه‌ام خوی با غبار گرفت

(۳) دل را نگاه گرم تو دیوانه می‌کند / آئینه را رخ تو پری‌خانه می‌کند

(۴) نمی‌شود دل پاکان زحرف بد غمگین / ز عکس زشت نیفتد به روی آینه چین

۱۲۰. مفهوم بیت «سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد / کان شمع سامان می‌دهد از شعله زرین‌بال‌ها» در بیت کدام گزینه آمده است؟

(۱) تاب انوار جمالت بهر اظهار کمال / پرتوی بر ظلمت آباد جهان انداخته

(۲) گم شدن در گم شدن دین من است / نیستی و هستی آیین من است

(۳) سحرم هاتف میخانه به دولت‌خواهی / گفت باز آی که دیرینه‌ی این درگاهی

(۴) نه این زمان من شوریده‌دل نهادم روی / بر آستان تو کاندرازل به سوز و نیاز

۱۲۱. مفاهیم همهٔ ابیات به‌استثنای بیت ... تناسب دارند.

(۱) خوشا کسی که چو صائب ز خاکساری‌ها / به دیده خاک زند اعتبار عالم را

(۲) بنگر به چشم عبرت و حال جهان ببین / عاقل ز حال‌های چنین گیرد اعتبار

(۳) چشم عبرت‌بین چرا در قصر شاهان ننگرد / تا چه سال از حادثات دور گردون شد خراب

(۴) زمان ز مرگ بسی چون تو پند داد تو را / برو ز مردن امثال خویش عبرت گیر

۱۲۲. بیت «ای دفتر حسن تو را فهرست خط و خالها / تفصیلها پنهان شده در پرده اجمالها»، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) آن چه می گویند آن بهتر ز حسن / یار ما این دارد و آن نیز هم
 - (۲) شرم آیدم همی که قمر خوانمت به حسن / هرگز شنیده ای ز دهان قمر سخن
 - (۳) چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت / که یک دم از تو نظر بر نمی توان انداخت
 - (۴) از حسن تو یک رقعه به گلزار رسیده / وز زلف تو یک نافه به تاتار رسیده
۱۲۳. مفهوم بیت: «سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد / کان شمع سامان می دهد از شعله زرین بالها» با کدام بیت، متناسب است؟

- (۱) اگر ستاره من سوخت عشق عالم سوز / ز داغ در جگرم آفتابها انداخت
 - (۲) اگر چه آب زلال است زندگانی خلق / بسی چو ماند چون زهر گردد آب زلال
 - (۳) و ر چو پروانه دهد دست فراغ بالی / جز بدان عارض شمع نبود پروازم
 - (۴) چون نداری پر و بالی که به جایی برسی / چون سلامت طلبان رخنه دیوار طلب
۱۲۴. از کدام بیت، مفهوم مصراع «آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثالها» دریافت می شود؟
- (۱) خصمی زشت به آینه چه نقصان دارد / چه غم از دشمنی مردم نادان ما را
 - (۲) از رخت آینه را خوش دولتی رو داده است / در درون خانه اش ماه است و بیرون آفتاب
 - (۳) آینه بینشت شکسته است از آن / یک نقش در او هزار صورت دارد
 - (۴) تو در آینه حیران جمال خویشی و من هم / چو صورت گشته در آینه روی تو حیرانم
۱۲۵. مفهوم بیت «با عقل گشتم هم سفر، یک کوچه راه از بی کسی / شد ریشه ریشه دامنم، از خار استدلالها» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) از دل شوریده حرف عاقلان جستن خطاست / ربط را کاری به اوراق ز هم پاشیده نیست

(۲) به جای خون ز رگ و ریشه‌اش برآرد دود / به دست درد دلی را که عشق بفشارد

(۳) شد از گرفتگی عقل، کار بر من سخت / سزای سنگ بود پسته‌ای که خندان نیست

(۴) فارغ‌اند از دار و گیر آرزو آزادگان / سرو را بیمی ز خار از دامن برچیده نیست

۱۲۶. بیت «پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما / آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها»، با کدام

بیت تناسب دارد؟

(۱) ز چین ابروی دلدار نیستم نومید / که نوبهار در آغاز غنچه پیشانی است

(۲) فیض بحر رحمت از خاکی نهادن نگسلد / تا به ساحل موج این دریا به هم پیوسته است

(۳) با سیه‌رویی نیم نومید از حسن قبول / عنبر دریای رحمت خال عصیان من است

(۴) کشت امید مرا برق است باران کرم / دست خشک این بخیلان ابر احسان من است

۱۲۷. مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر تناسب ندارد؟

(۱) گناه آید از بنده‌ی خاکسار / به امید عفو خداوندگار

(۲) لطف خدا بیش‌تر از جرم ماست / نکته‌ی سربسته چه گویی؟ خموش

(۳) پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما / آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها؟

(۴) کاش که در قیامتش بار دگر ببینی / کآن‌چه گناه او بود من بکشم غرامتش

۱۲۸. بیت «سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد / کآن شمع سامان می‌دهد از شعله زرین

بال‌ها» از صائب تبریزی با کدام بیت از سنایی غزنوی، تناسب معنایی دارد؟

(۱) عشق و معشوق اختیاری نیست / عشق ز آن سان که تو شماری نیست

(۲) دلبر جان‌ربای عشق آمد / سربر و سرنمای عشق آمد

(۳) نیست در عشق حظّ خود موجود / عاشقان را چه کار با مقصود؟

(۴) عاشقان سر نهند در شب تار / تو بر آنی که چون بری دستار

۱۲۹. ابیات همه گزینه‌ها به جز گزینه ...، با بیت «با عقل گشتم همسفر یک کوچه‌راه از بی کسی / شد ریشه‌ریشه دامنم از خار استدلال‌ها» قرابت معنایی دارند.

الف) مرغ بینش را شکستم پر که طیران کند داشت / رخس دانش را بریدم پی کزین میدان نبود

ب) بر سر بازار حکمت کور دیدم خلق را / توتیای حق‌شناسی در همه دکان نبود

پ) در عشق چو عقل و خرد باده‌پرستان / ویرانم و آگه نه که بر من ستمی رفت

ت) فلک کهنه گرگی است در زیر پوست / خرد را تصور که مغزی در اوست

ث) عقل را شور جنون زیر و زبر دارد اگر / زیر لب دیگر چه می‌گویی؟ فسون‌خوانی بس است

ج) در مدرسه و صومعه بسیار دویدیم / در علم و عمل چاشنی عشق ندیدیم

چ) دل منور کن به انوار جلی / چند باشی کاسه‌لیس بوعلی

ح) تا از ره و رسم عقل بیرون نشوی / یک ذره از آنچه هست، افزون نشوی

۱) پ و ث ۲) ب و چ ۳) الف و ح ۴) ت و ج

۱۳۰. کدام دو بیت تقابل مفهومی دارند؟

الف) ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد / من ابلهانه گریزم در آبگینه حصار

ب) دست بیداد فلک را زود کوتاه می‌کند / فتنه‌ای کز قامت رعناى او بالا گرفت

ج) زمانه مرد مصاف است و من ز ساده‌دلی / کنم به جوشن تدبیر و هم دفع مضار

د) آسیا را دانه جان‌سخت من دندان شکست / آسمان بیهوده می‌کوشد پی آزار من

۱) ب - د ۲) الف - ج ۳) ب - الف ۴) الف - د

۱۳۱. ابیات کدام گزینه قرابت مفهومی دارند؟

الف) کرشمه‌های تو از بس که هست نازآمیز / نه آشتی تو داند کسی، نه جنگ تو را

ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی / هنوز می‌پرد از شوق، چشم کوکب‌ها

ج) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان غمزه جادوی تو بود

د) یک کرشمه کرده با خود جنبشی عشق قدیم / در دو عالم این همه شور و فغان انداخته

ه) مرا که دعوی بازار زهد و تقوی بود / به یک کرشمه چشمت تمام بشکست آن

۱) ب - ج - د ۲) الف - ب - د ۳) ب - ج - ه ۴) ه - الف - د

۱۳۲. بیت «پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما / آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها» با کدام تناسب معنایی ندارد؟

۱) عجب داری از لطف پروردگار / که باشد گنه کاری امیدوار

۲) گر ما مقصریم تو بسیار رحمتی / عذری که می رود به امید وقای توس

۳) وز فراوان ابر رحمت ریخته باران فضل / رانده ای را بر امید عفو شادان دیده اند

۴) کس از من سیه نامه تر دیده نیست / که هیچم فعال پسندیده نیست

۱۳۳. بیت «سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد / کان شمع سامان می دهد از شعله زرین بال‌ها» با کدام بیت قرابت معنایی بیش تری دارد؟

۱) گر دل ببری هزار دل بازدهی / و ر جان ببری هزار جانم بخشی

۲) به هواداری آن شمع چو پروانه ز شوق / تا نسوزی تو نیایی ز غم عشق خلاص

۳) گاهی به سخن قوت روانم بخشی / گاهی به سحر راز نهانم بخشی

۴) هر چیز که می یابم و می خواهم جست / گویی شکر لعل تو دارد به درست

۱۳۴. مفاهیم: «عدم آگاهی، فراغت خاطر، خویشتن‌داری، توصیه به فروتنی» به ترتیب، از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

الف) چه آسوده است از اندیشه باد خزان، برگی که در فصل بهاران چون گل رعنا خزان بیند

ب) عنان نفس را هر کس تواند داشتن محکم سمند سرکش افلاک را در زیر ران بیند

ج) نظر را پایه گر خواهی بلند از آستان مگذر که هر کس را بود بر صدر جا در آستان بیند

د) رخ بهبود کار خویش آن غافل چسان بیند که بردارد ز یوسف چشم و راه کاروان بیند

۱) د، ب، الف، ج ۲) د، الف، ب، ج ۳) ج، الف، ب، د ۴) ج، ب، الف، د

۱۳۵. ابیات زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«عیب جویانم حکایت پیش جانان گفته‌اند» من خود این پیدا همی گویم که پنهان گفته‌اند

دشمنی کردند با من لیک از روی قیاس دوستی باشد که دردم پیش درمان گفته‌اند»

۱) دلت خوش باد و چشم از بخت روشن به کام دوستان و رغم دشمن

۲) بسیار گنه کردیم آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آن‌ها

۳) غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل شاید که چو وا بینی خیر تو در این باشد

۴) نداند آن که درآورد دوستان از پای که بی خلاف بجنبند دشمنان از جای

۱۳۶. مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

۱) هزار جهد بکردم که سرّ عشق بپوشم / نبود بر سر آتش میسرّم که نجوشم

۲) ای سوخته سوخته سوختنی / عشق آمدنی بود نه آموختنی

۳) در سوخته پنهان نتوان داشتن آتش / ما هیچ نگفتیم و حکایت به در افتاد

۴) گر عشق من از پرده عیان شد عجیبی نیست / پوشیدن این آتش سوزنده محال است

۱۳۷. مفهوم عبارت «هرچند که می‌کوشم که از عشق درگذرم، عشق مرا شیفته و سرگردان می‌دارد و با این همه، او غالب می‌شود و من مغلوب، با عشق کی توانم کوشید؟» با کدام گزینه یک‌سان است؟

۱) عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند

۲) گویند روی سرخ تو، سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

۳) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام ما

۴) دل هر که صید کردی نکشد سر از کمندت / نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت

۱۳۸. از مضمون کدام بیت، نوعی تقدیرگرایی و تسلیم در برابر حوادث عاید می‌گردد؟

۱) لقمه افتد ز دهان، چون نبود قسمت کس / روزی ارّه نگر کز بن دندان ریزد

۲) دل آسوده‌ای داری مپرس از صبر و آرامم / ننگین را در فلاخن می‌نهد بی‌تابی نامم

۳) بخیه‌ی کفشم اگر دندان‌نما شد عیب نیست / خنده می‌آرد همی بر هرزه‌گردی‌های من

۴) که گذشته‌ست از این بادیه دیگر کامروز / نبض ره می‌تپد و سینه‌ی صحرا گرم است

۱۳۹. همهٔ ابیات در مذمت «خنده» سروده شده است؛ به جز:

۱) شود جهان لب پر خنده اگر مردم / کنند دست یکی در گره‌گشایی هم

۲) مهر زن بر دهن خنده که در بزم جهان / سر خود می‌خورد آن پسته که خندان باشد

۳) حسن را جبههٔ واکرده به تاراج دهد / خندهٔ گل سبب جرأت گلچین باشد

۴) گریه در دنبال باشد خندهٔ بی‌وقت را / خنده زن چون گل اگر در خون شنا می‌بایدت

۱۴۰. مفهوم کدام بیت در مقابل آن نادرست آمده است؟

۱) هیچ چیزی نیست ز آهن سخت تر / هم بنا بر آب دارد درنگر (فناپذیری)

۲) کامجویان را ز ناکامی چشیدن چاره نیست / بر زمستان صبر باید، طالب نوروز را (تحمل سختی)

۳) دام عقل است آن که چشمش می‌پرد بهر شکار / چشم دام عشق از سیمرغ و از عنقا پر است (مذمت دنیاطلبی)

۴) پسته‌ها را لعل می‌گوننت گریبان چاک کرد / تلخ شد از چشم شوخت خواب بر بادام‌ها (برتری جمال معشوق)

۱۴۱. بیت «ای دفتر حسن تو را فهرست خطّ و خال‌ها / تفصیل‌ها پنهان شده در پرده‌ی اجمال‌ها» با کدام بیت، تناسب مفهومی دارد؟

۱) ای گل بوستان‌سرا از پس پرده‌ها درآ / بوی تو می‌کشد مرا وقت سحر به بوستان

۲) نامدگان و رفتگان از دو کرانه‌ی زمان / سوی تو می‌دوند هان، ای تو همیشه در میان

۳) ای که نهان نشسته‌ای، باغ درون هسته‌ای / هسته فروشکسته‌ای کاین همه باغ شد روان

۴) پیش تو جامه در برم، نعره زند که بر درم / آمدمت که بنگرم، گریه نمی‌دهد امان

تست های پایه دوازدهم

۱۴۲. مفهوم بیت زیر با کدام بیت، تناسب دارد؟

«آن گرد شتابنده که در دامن صحراست / گوید چه نشینی که سواران همه رفتند»

۱) دل ای سلیم در این کاروان‌سرای میند / که خانه ساختن آیین کاروانی نیست

۲) ای که خواب‌آلوده واپس مانده‌ای از کاروان / جهد کن تا بازیابی هم‌رهان خویش را

۳) باز پس ماند ز همراهیت گر آصف بود / کاروانی کی رسد هرگز به گرد لشگری

۴) ای خفته همه عمر شده خیره و مدهوش / وز عمر جهان بهره خود کرده فراموش

۱۴۳. با توجه به دیدگاه فکری، مضمون کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) من که به کوی خرمی داشتمی وطن کنون / وادی بی کران غم شد وطنم دریغ من
- (۲) افتاده به زحمت وطن از کید اجانب / این گوهر پرشعشه در کام نهنگ است
- (۳) به که در فکر وطن باشیم و فکر کار او / پیش از آن کز دست‌ها بیرون رود کار وطن
- (۴) مهر میهن، پرتو مردانگی، عزمی قوی / این سه تا تنها دوی درد این کشور بود

۱۴۴. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) اهریمن استبداد، آزادی ما را کشت / نه صبر و سکون جایز، نه حوصله باید کرد
 - (۲) عمرها در طلب شاهد آزادی و عدل / سر قدم ساخته تا ملک فنا تاخته‌ایم
 - (۳) بندگان را نبود جز غم آزادی و من / پادشاهی کنم از بنده خویشم خوانی
 - (۴) هر سر به هوای سر و سامانی و ما را / در دل به جز آزادی ایران هوسی نیست
۱۴۵. در همه ابیات به جز بیت گزینه ... یکی از محوری‌ترین درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری ذکر شده است.

- (۱) آزادگی و خرمی، از سرو بیاموز / کآزاده و خرم به بهار و به خزان است
- (۲) کشت آزادی سیراب ز خون باید لیک / این تمنا کسی از ملت بی‌خون نکند
- (۳) گاه آن است که بر مام وطن مهر کنید / در گه کینه‌کشی، کار منوچهر کنید
- (۴) هر سر که به احترام قانون خم شد / در مسلک ارباب قلم محترم است

۱۴۶. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) زنده باد آن کس که هست از جان هوادار وطن / هم وطن غمخوار او هم اوست غمخوار وطن
- (۲) مرا وطن چو شد آنجا که یار من آنجاست / دگر دیار غریب از وطن نمی‌دانم
- (۳) یک باره زمین‌گیر شدم، بال و پرم سوخت / تا آتش عشق وطن افتاد به جانم
- (۴) مجنون منم که عشق وطن دارم و فغان / از عشق آب و خاک گل و سنگ می‌کنم

۱۴۷. همه گزینه‌ها به جز گزینه ... بیانگر مضمونی واحد در شعر عصر بیداری هستند.

(۱) ز جور کارفرما کارگر آن‌سان به خود لرزد / که گردد روبه‌رو کبک دری باز شکاری را

(۲) کلبه بی‌سقف دهقان را چو آرم در نظر / کاخ‌های سر به کیوان را کنم ایوان خون

(۳) مالک غریق نعمت جاه و جلال و قدر / زارع اسیر زحمت و رنج و بلا هنوز

(۴) چون تافت روی تربیت از این خجسته ملک / فرسوده گشت ملک و دگرگونه گشت حال

۱۴۸. کدام بیت از نظر مضمون و درون‌مایه با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) مملکت را جور و استبداد ویران می‌کند / جور در هر جا که ره جوید چو ایران می‌کند

(۲) آن دم به خون دیده نشستیم تا کمر / کان سنگدل بیست کمر را به خون ما

(۳) مستقل نیست دو کس در سر یک رأی ولی / سر هر برزن و کو صحبت از استقلال است

(۴) در محضر شیخ ار نفسی سرد برآمد / معذور بدارید که دل در خفقان است

۱۴۹. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«من نمی‌گویم زیان کن یا به فکر سود باش

ای ز فرصت بی‌خبر در هر چه هستی زود باش»

(۱) فرصت شمار صحبت کز این دو روزه منزل

چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن

(۲) سعدیا دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست

در میان این و آن فرصت شمر امروز را

(۳) از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی

از ازل تا به ابد فرصت درویشان است

(۴) ز خود بهتری جوی و فرصت شمار

که با چون خودی گم کنی روزگار

۱۵۰. کدام بیت از نظر درون‌مایه با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) تن در طلب شادی است جان در پی آزادی است / این طالب آبادی است آن مایل ویرانی

(۲) ملک را ز آزادی فکر و قلم قوت فزای / خامه آزاد نافذتر ز نوک خنجر است

(۳) کشت آزادی سیراب ز خون باید لیک / این تمنا کسی از ملت بی‌خون نکند

۴) تا که استبداد سر در پای آزادی نهد / دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید گرفت

۱۵۱. مفهوم عبارت زیر در همهٔ گزینه‌ها به‌جز ... آمده است. «از شدت جهل، جهال ما مثل بوزینه فوراً به هرجا رفتند و هر کس را دیدند، مقلد او می‌شوند و لباس و زبان و رسوم و عادت خودشان را فراموش می‌کنند.»

۱) از پی تقلید و معقولات نقل / پانهاده بر سر این پیر عقل

۲) زان که تقلید آفت هر نیکویی است / که بود تقلید اگر کوه قوی است

۳) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار / کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست

۴) خبر رشک تو می‌آرد اشک تر من / نه به تقلید بل از دیده دهد پیغام

۱۵۲. کدام گزینه از دیدگاه فکری با سایر ابیات متفاوت است؟

۱) بی روی چون بهار تو، ای نوگل وجود / زرد و پریده‌رنگ چو برگ خزانیم

۲) چمن از لالهٔ نورسته بود چون رخ دوست / گلبن از غنچهٔ سیراب بود چون لب یار

۳) ز نوای مرغ یاحق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

۴) زین خوش‌ترت کجا خبری در زند که دوست / سر بی‌خبر به ما زد و از ما خبر گرفت

۱۵۳. کدام بیت با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

«گر می‌گریزم از نظر مردمان رهی / عیبم مکن که آهوی مردم ندیده‌ام»

۱) بر روی نازبالش گل تکیه می‌کند / عاشق به شوخ‌چشمی شب‌نم ندیده‌ام

۲) به تیه حرص چون آهو چه تازی نفس همچون سگ / به صحرای قناعت شو که بی‌آهوست آن صحرا

۳) روی سخن ز آینه‌رویان ندیده‌ام / گاهی ز پشت آینه حرفی شنیده‌ام

۴) گر وحشیانه از روش خلق می‌رمم / عذرم بسی بجاست که آدم ندیده‌ام

۱۵۴. مفهوم سرودهٔ «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

۱) ز کج‌بینی اگر نقشی به چشمت زشت می‌آید / تو وقتی راست‌بین باشی که بینی زشت را زیبا

۲) تو چشم عبرت بگشای و گوش عقل بمال / که از تصرف تقدیر عاجز است ادراک

۳) ورق دیده یعقوب همین مضمون داشت / که شود صبح طرب چشم‌سفید آخر کار

۴) هر چند که دل را غم عشق آیین است / چشم است که آفت دل مسکین است

۱۵۵. منظومه زیر با همه ابیات به استثنای بیت ... قرابت مفهومی دارد. «من نمی‌دانم / که چرا می‌گویند، اسب حیوان نجیبی است، کبوتر زیباست / و چرا در قفس هیچ کسی کرکس نیست / گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد؟»

۱) در چشم پاک‌بین نبود رسم امتیاز / در آفتاب سایه شاه و گدا یکی است

۲) در این بساط به تمکین خود مشو مغرور / که پیش سیل فنا، کوه و کاه هر دو یکی است

۳) خرد را دیدن به چشم کم نشان احولی [دوبین] است / پیش ارباب بصیرت قطره و دریا یکی است

۴) ز اختلاف ظرف، گوناگون نماید رنگ می / و نه در میخانه وحدت می حمرا [سرخ] یکی است

۱۵۶. مفهوم بیت «چه چشم پاسخ است از این دریچه‌های بسته‌ات / برو که هیچ کس ندا به گوش کر نمی‌زند» از کدام ابیات برمی‌آید؟

الف) در مصر انتظار چو یوسف بمانده‌ام / بسیار جهد کردم و کنعان نیافتم

ب) مردم و حسرت‌م همان از تو امید نگسلد / دوخته‌ام به راه تو دیده نیم‌باز را

ج) به نابودنی‌ها مدارید امید / که گوید که بار آورد شاخ بید؟

د) دادم به باد عمری در انتظار روزی / این داغ ناامیدی بر انتظار من چه؟

ه) منتظر بود این سعادت را جهان از دیرباز / یافت مقصود و برون آمد ز بند انتظار

۱) الف، ب، ج ۲) الف، د، هـ ۳) ب، ج، هـ ۴) ج، د، الف

۱۵۷. منظومه زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«دست‌ها می‌سایم / تا دری بگشایم / بر عبث می‌پایم / که به در کس آید»

(۱) مشکل بود گرفتن چیزی ز دست خلق / دست کسی بگیر اگر دست می‌دهد

(۲) هـر چند شمع رهروانم چو آفتاب / از احتیاط دست به دیوار می‌کشم

(۳) یا مـرا یک روزگاری دست ده / یا کـه دست از روزگار من بدار

(۴) نشسته‌ام در انتـظار این غبار بی‌سوار / دریغ کز شبی چنین سپیده سر نمی‌زند

۱۵۸. سبک بیت کدام گزینه متفاوت با سایر ابیات است؟

(۱) چشم دارم که تو با نرگس خواب‌آلوده / در دل شب به سراغ من بیدار آیی

(۲) شد فصل گل و من دور از آن ماهم / ای سرو روان وصلت به جان خواهم

(۳) تو در این خاکدان از لنگر غفلت زمین‌گیری / و گرنه سیل را دل زین خراب‌آباد می‌گیرد

(۴) به خاک من گذری کن چو گل گریبان‌چاک / که من چو لاله به داغ تو خفته‌ام در خاک

۱۵۹. عبارت «هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی

می‌پذیرفت.»، با مفهوم کدام بیت، متناسب است؟

(۱) راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست / آن‌جا جز آن‌که جان بسپارند چاره نیست

(۲) در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست / در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

(۳) هر که که دل به عشق دهی خوش دمی بود / در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

(۴) هر چه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست / ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

۱۶۰. متن زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«ضحاک، به کیفر کارهای زشت خود گرفتار بود؛ هر چه بیشتر مردم را از میان می‌برد، بیش‌تر در لجه

بدنامی و بغض و نفرت همگان فرو می‌رفت تا سرانجام از پا درآمد و در بند شد.»

(۱) شاهباز غمت از صید دل مسکینان / هیچ نگذشت که بر عزم شکار آید باز

۲) شهباز غمت راست کبوتر دل سلمان / دریاب که بر صید کبوتر زده‌ای باز

۳) شهپر زاغ و زغن زیبای صید و قید نیست / این کرامت همراه شهباز و شاهین کرده‌اند

۴) کبک، موری خورد و باز آمد قصاص از کبک خواست / پس عقابی رفت و با باز آن عمل بنیاد کرد

۱۶۱. کدام گزینه از نظر لحن و مضمون با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱) شبگیر غم بود و شبیخون بلا بود / هر روز عاشورا و هر جا کربلا بود

۲) ابر و نباریدن چه رنگ است این چه رنگ است؟ / تیغ و نبریدن چه ننگ است این چه ننگ است؟

۳) حکم جلودار است بر هامون بتازید / هامون اگر دریا شود از خون، بتازید

۴) تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر / بر جای ما بیگانه ننگ است ای برادر

۱۶۲. مفهوم کنایی کدام بیت در مقابل آن نادرست آمده است؟

۱) سیلاب ریشه ما نتواند از زمین کند / خار علایق از بس دامن ما گرفته (پایداری)

۲) خویش را پیش‌تر از مرگ خبر باید کرد / در حضر فکر سرانجام سفر باید کرد (پیش‌بینی و عدم غفلت)

۳) آن‌چه او ریخت به پیمانه ما نوشیدیم / اگر از خمر بهشت است و گر از باده مست (تسلیم و رضا)

۴) به هواداری او ذره‌صفت رقص کنان / تا لب چشمه خورشید درخشان بروم (کشش و کوشش)

۱۶۳. مضمون کدام بیت، در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی قرار نمی‌گیرد؟

۱) رفتید ولی به یاد ما می‌مانید / در خاطر سرخ لاله‌ها می‌مانید

۲) این‌جا پرنده‌های زیادی رها شدند / باید خطاب کرد به این دشت آسمان

۳) همه با یک زبان مشترک از درد می‌نالیم / ولی فرسنگ‌ها دوریم از لحن و زبان هم

۴) این جنگ و سرنوشت غریبش چه آشناست / قرآن دوباره جز به سر نیزه جا نداشت

۱۶۴. کدام گزینه از نظر مضمون، با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱) طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی / ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی

۲) به پاس یک دل ابری، دو چشم بارانی / پر است خلوتم از یک حضور نورانی

۳) از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم / زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم

۴) یاد احد یاد بزرگی‌ها که کردیم / آن پهلوانی‌ها، سترگی‌ها که کردیم

۱۶۵. عبارت «شرفُ المكان بالمکین» با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

۱) خون تو شرف را سرخگون کرده است: / شفق، آینه‌دار نجابت / و فلق، محرابی / که تو در آن / نماز صبح شهادت گزارده‌ای

۲) در فکر آن گودالم / که خون تو را مکیده است / هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضيض هم می‌توان عزیز بود

۳) مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مردنی چنان، / غبطهٔ بزرگ زندگانی شد

۴) خونت / با خون‌بهای حقیقت / در یک تراز ایستاد / و عزمت، ضامن دوام جهان شد

۱۶۶. قیصر امین‌پور در کدام بیت شعرش، مفهومی مشابه بیت زیر را بیان می‌کند؟

«سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم / ولی دل به پاییز نسپردہ‌ایم»

۱) چو گلدان خالی لب پنجره / پر از خاطرات ترک خورده‌ایم

۲) اگر داغ دل بود ما دیده‌ایم / اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم

۳) گواهی بخواهید اینک گواه / همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم

۴) دلی سربلند و سری سر به زیر / از این دست عمری به سر برده‌ایم

۱۶۷. عبارت «برای شنیدنش گوش و دلی می‌خواهد که مانند همهٔ گوش‌ها و دل‌ها نباشد؛ گوشی شنوا،

قلبی پاکیزه و روانی روشن می‌خواهد.» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

(۱) تشنه خورشید را غافل نسازد رنگ و بو / شبنم بی‌تاب را در دامن گل خواب نیست

(۲) هر که شد محو جمال آسوده گردد از جلال / هیچ پروا عاشق دیوانه را از سنگ نیست

(۳) شاهد ما را نه هر چشمی چنان بیند که هست / صنع را آینه‌ای باید که بر وی زنگ نیست

(۴) پرده منصور اگر صد چاک شد چون گل سزاست / دم‌زدن بی‌پرده از اسرار وحدت سهل نیست

۱۶۸. در متن زیر کدام موضوع، بازنمایی شده است؟

«پاییز امسال، خیلی زود آغاز شده است. نرمه‌بادی که می‌وزد، برگ‌های انبوه درختان چنار روبه‌روی ساختمان باشگاه لشکر دو زرهی را می‌تکاند. برگ‌ها، روی هوا می‌رقصند، نرم نرمک به زمین می‌نشینند و همراه باد کشیده می‌شوند و سطح جوی آبی را که از جلوی پنجره بازداشتگاه می‌گذرد، پر می‌کنند. آفتاب زردی می‌زند. ابر نازکی پهنه آسمان را پوشانده است و خورشید که گاه زیر ابر می‌لغزد، هوا سربی‌رنگ می‌شود، و در این هوای سربی‌رنگ برگ‌های ساده نیلوفر خودرو، رنگ آتش می‌گیرند.»

(۱) استقبال از شهادت و فرهنگ ایثار (۲) مقاومت هشت‌ساله مردم در جنگ تحمیلی

(۳) مبارزه با بی‌عدالتی اجتماعی (۴) بی‌توجهی به مادیات

۱۶۹. در متن زیر کدام مفهوم، برجسته است؟

«و آب اکنون برای تو یعنی توان برای دفاع از حسین. و آب برای تو یعنی مقدمه واجب که به اندازه خود واجب، واجب است. اسب که خنکای آب، رگ و پیاش را حیات و طراوت بخشیده، در آب پیشتر و پیشتر می‌رود تا آن‌جا که زانوان و ران‌های سوار تماماً در آب قرار می‌گیرد و شمشیر آب‌دیده‌اش تا نیمه در آب فرو می‌شود. سوار دست به قبضه شمشیر می‌برد و آن را به سمت جلو می‌فشارد تا سر غلاف از آب بیرون بیاید و شمشیر از تسلط آب محفوظ بماند.»

(۱) بی‌توجهی به مادیات (۲) استکبارستیزی

(۳) انعکاس دین و دین‌داری به صورت مطلوب (۴) دعوت به اخلاقیات

۱۷۰. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

۱) مکن ای دوست ملامت من سودایی را / که تو روزی نکشیدی غم تنهایی را

۲) نمی‌اندیشد از زخم زبان هر کس که مجنون شد / به خار و خس مقید سیل بی‌زنهار کی گردد؟

۳) من دیوانه را سنگ ملامت شد پروبالی / نگردد سیل تا سنگین سبک رفتار کی گردد؟

۴) ملامت را سپر سازیم بر خویش / ملامت عشق را تاج است و افسر

۱۷۱. مفهوم شعر زیر با کدام بیت تقابل دارد؟

«آری این پنجره بگشای که صبح / می‌درخشد پس این پردهٔ تار / می‌رسد از دل خونین سحر بانگ
خروس / از رخ آینه‌ام می‌سترد زنگ فسوس ...»

۱) سعدیا نوبتی امشب دهل صبح نکوفت / یا مگر روز نباشد شب تنهایی را

۲) خلوت دل نیست جای صحبت اغیار / دیو چو بیرون رود فرشته درآید

۳) گر هزارت غم بود با کس نگوئی زینهار / ای برادر تا نبینی غمگسار خویش را

۴) خوش است با غم هجران دوست سعدی را / که گرچه رنج به جان می‌رسد امید دواست

۱۷۲. مضمون کدام شعر متفاوت است؟ ۱) هیچ یادت هست / توی تاریکی شب‌های بلند / با سر و سینهٔ
گل‌های سپید / نیمه‌شب باد غضبناک چه کرد؟

۲) ای همه گل‌های از سرما کبود / خنده‌هاتان را که از لب‌ها ربود؟ / مهر هرگز این چنین غمگین نتافت /
باغ هرگز این چنین تنها نبود

۳) و گر دست محبت سوی کس یازی / به اکراه آورد دست از بغل بیرون / که سرما سخت سوزان است

۴) آه در باغ بی‌درختی ما / این تبر را به جای گل که نشاند؟! / چه تبر ازدهایی از دوزخ / که به هر سو
دوید و ریشه دواند

۱۷۳. مفهوم عبارت «با صدایی که به قول معروف از ته چاه در می‌آمد با زهر خندی گفت: «داد زن من

گوش استماع ندارم لمن تقول؟»، با کدام بیت متناسب است؟ ۱) مرد باید که گیرد اندر گوش / و

نبشته است پند بر دیوار

۲) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیست / ای نصیحت‌گو به ترک گوی، گوی

۳) ذوق سماع مجلس آنست به گوش دل / وقتی رسد که گوش طبیعت بیاکنی

۴) گوش کن پند ای پسر وز بهر دنیا غم مخور / گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت هوش

۱۷۴. منظومه زیر، با همه ابیات، قرابت مفهومی دارد؛ به جز: «... و خدایی که در این نزدیکی است / لای این شب بوها، پای آن کاج بلند...»

۱) بی‌دلی در همه احوال خدا با او بود / او نمی‌دیدش از دور خدایا می‌کرد

۲) به هر کاری که باشد تا توانی / خدا را یاد کن دیگر تو دانی

۳) من چرا گرد جهان گردم چو دوست / در میان جان شیرین من اوست

۴) جان، طالب جمال دل افروز یار ماست / غافل که یار ما همه دم در کنار ماست

۱۷۵. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟ ۱) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی / ز بامی که برخاست مشکل نشیند

۲) از گوشه بامت سر پرواز ندارم / ای کاش که مرغ دلم از بال و پر افتد

۳) چو وحشی مرغ از قید قفس جست / دگر نتوان به دستان پای او بست

۴) دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند / از گوشه بامی که پریدیم پریدیم

۱۷۶. کدام بیت موضوع مطرح شده در عبارت زیر را بیان می‌کند؟

«و بدان که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید؛ چنان که پیغمبر (ص) فرمود: اول خلق الله تعالی القلم، و قلم را فرمود که بر لوح بگردد و بنویس هرچه تا قیامت بخواهد بود.»

۱) بر سر لوح، چون قلم گردید / نام او اولین رقم گردید ۲) بود نقش قامتش در سینه‌ام / پیشتر از خلقت لوح و قلم

۳) دبستان ازل را در گشاده / قلم را لوح در دامن نهاده ۴) قلم هرچه بر لوح هستی نوشت / یکی نکته از داستان دل است

۱۷۷. مفهوم همهٔ ابیات تناسب دارد؛ به جز:

(۱) بر طاعت و خیر خود نباید نگریست / در رحمت و فضل او نگه باید کرد

(۲) گر خلق تکیه بر عمل خویش کرده‌اند / ما را بس است رحمت و فضل تو متکا

(۳) رندان عمل برای رضای خدا کنند / یعنی ز خویش خلق خدا را رضا کنند

(۴) بر سایبان حسن عمل اعتماد نیست / سعدی مگر به سایهٔ لطف خدا رود

۱۷۸. مفهوم بیت «ز دو دیده خون‌فشانم ز غمت شب جدایی / چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی»
از کدام بیت دریافت می‌شود؟

(۱) خدنگ غمزه از هر سو نهان انداختن تا کی؟ / سپر انداخت عقل از دست ناوک‌های دلدوزت

(۲) زمین تشنه را باران نبودی بعد از این حاجت / اگر چندان که در چشمم سرشک اندر سحابستی

(۳) چشمت به کرشمه خون من ریخت / وز قتل خطا چه غم خورد مست؟

(۴) همچنان داغ جدایی جگرم می‌سوزد / مگرم دست چو مرهم بنهی بر دل ریش

۱۷۹. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

«این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع»

(۱) کاش چون شمع همه سر شود اعضای کلیم

تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود

(۲) وصل جانان قسمت اهل هوس شد ای دریغ

گل نصیب دست گلچین است گویی نیست هست

(۳) تا گشودم دیدهٔ روشن در این ظلمت‌سرا

خرج اشک و آه شد جسم نزارم همچو شمع

۴) قسمت ما چون کمان از سهم خود خمیازه‌ای است هرچه داریم از برای دیگران داریم ما

۱۸۰. مفهوم قطعه زیر از کدام بیت دریافت می‌شود؟

«چو دخت نیست خرج آهسته‌تر کن که می‌گویند ملاحان سرودی

اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی»

۱) فروزد شمع اقبال به نور خویشتن آری چراغ مهر عالم‌تاب مستغنی است از روغن

۲) ابلهی کاو روز روشن شمع کافوری نهد زود باشد کش به شب روغن نماند در چراغ

۳) کرد خرج آب و گل کوتاه بینی‌ها مرا پیش‌تر از خانه می‌بایست خود را ساختن

۴) قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن از کنار ابر تا دریا تنزل بایدش

۱۸۱. مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز:

۱) گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود

۲) این نغمه محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

۳) از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند

۴) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت

فتنه‌انگیز جهان غمزۀ جادوی تو شد

۱۸۲. کدام ابیات، دربردارنده مفهوم «انتظار» است؟

الف) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست

ب) ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران

ج) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این‌که او سرسپرده می‌خواست من دل‌سپرده بودم

د) شب چو دربستم و مست از می نابش کردم ماه اگر حلقه به در کوفت جوابش کردم

ه) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

۱) الف - ج ۲) الف - ه ۳) ب - د ۴) ب - ه

۱۸۳. مفهوم «بی‌توجهی معشوق، انابت و تضرع، طلب جلوه‌گری، وفاداری» به‌ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

الف) در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز وز لعل شکر بار می و نقل فرو ریز

ب) تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است همواره مرا کوی خرابات مقام است

ج) پیش کمان ابرویش لابه همی کنم ولی گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند

(د) اشک سحر زداید از لوح دل سیاهی

خرم کند جهان را باران صبحگاهی

(۱) ج - د - الف - ب (۲) ج - د - ب - الف (۳) ب - الف - د - ج (۴) د - ج - الف - ب

۱۸۴. مفهوم روبه‌روی کدام بیت، درست آمده است؟

- (۱) ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد من ابلهانه گریزم در آبگینه حصار (جبرگرایی)
- (۲) نه سبو پیدا در این حالت نه آب خوش ببین والله اعلم بالصواب (تحیر و سرگستگی)
- (۳) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنکه که باشم خفته در خاک (عدم آسودگی)
- (۴) یا رب این آتش که بر جان من است سرد کن زان‌سان که کردی بر خلیل (تمنای عشق)
۱۸۵. مفهوم همهٔ ابیات یکسان است، به‌جز:
- (۱) در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش این داغ که ما بر دل دیوانه نهادیم
- (۲) مجنون که به دیوانه‌گری شهره شهر است در دشت جنون هم‌سفر عاقل ما بود
- (۳) با عقل گشتم هم‌سفر یک کوچه راه از بی کسی شد ریشه‌ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
- (۴) حریم عشق را در که بسی بالاتر از عقل است کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد

۱۸۶. کدام بیت، مفهومی نظیر بیت زیر در ذهن ایجاد می‌کند؟

«دل پرداز ز هر نقش که در عالم هست

بعد از آن آینه پیش نظر یار بیار»

(۱) صبا خاک وجود ما بدان عالی جناب انداز

بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم

(۲) آینه ار نقش تو بنمود راست

خودشکن آینه شکستن خطاست

(۳) عارفان از دیدن حسن مجاز آسوده‌اند

تشنه خم کی شود از شیشه و پیمانه سیر

(۴) داشت چشم باز عالم را سیه در دیده‌ام

تا نظر بستم ز دنیا عین بینایی شدم

۱۸۷. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«گر تو گرفتارم کنی من با گرفتاری خوشم

ور خوار چون خارم کنی ای گل بدان خواری
خوشم»

(۱) جفا پل بود بر عاشق شکستی

وفا گل بود بر دشمن فشانندی

(۲) طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد

داغ و دردی کز تو باشد خوش‌تر است از باغ ورد

(۳) تیر بلای او را جز دل هدف نباشد

تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد

(۴) گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین‌دل

گل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گل

۱۸۸. مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

(۱) من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم که چون فرهاد باید شست دست از جان شیرینم

(۲) گر عزم جفا داری سر در رخت اندازم و راه وفا گیری جان در قدمت ریزم

(۳) مشکل است از درد و داغ عشق دل برداشتن ورنه می‌دادم به سیلاب فنا این خانه را

(۴) به تیغم گر کشد دستش نگیرم و گر تیرم زند منت پذیرم

پاسخنامه تست های پایه دهم

۱- گزینه ۱

شاعر در گزینه «۱» از تسلیم و رضا در برابر حق، سخن گفته است؛ زیرا اعلام می‌کند که حتی در صورت قهر معشوق (خداوند) هم اعتراضی نخواهد کرد.

۲- گزینه ۱

در ابیات «الف» و «د» به تسلیم‌پذیری عاشق و آمادگی او برای جانبازی و فدا کردن سر و جان خود در راه معشوق اشاره شده است.

۳- گزینه ۱

در بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط بر این مفهوم تأکید شده است که گوشه‌گیری و دوری گزیدن از مردم، موجب کمال و بلندمرتبه‌گی انسان می‌شود اما در گزینه «۱» دلیل گوشه‌گیری از نظر شاعر باید متفاوت باشد به این صورت که گوشه‌گیری باعث رهایی از خلق شود نه به‌منظور مشهور شدن در میان آنها.

۴- گزینه ۳

در گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» شاعر به ستایش خرد و خردمند پرداخته است، اما در بیت گزینه «۳» «دل» مورد ستایش قرار گرفته و نقطهٔ کانونی جهان دانسته شده است.

۵- گزینه ۳

بیت گزینه «۳» بیانگر «تقابل عقل و عشق و ترجیح عشق بر عقل» است و بر مفهوم «عشق‌گرایی» تأکید دارد.

۶- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: تواضع و فروتنی موجب سربلندی و عزت می‌شود.
مفهوم بیت گزینه «۲»: از کریمان لطف و تواضع و از گدایان بی‌نیازی شایسته است.

۷- گزینه ۳

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» و دو بیت صورت سؤال آسودگی نداشتن انسان (موجود) تلاش‌گر و پویا است.

مفهوم بیت گزینه «۳»: عدم وابستگی به تعلقات دنیوی

۸- گزینه ۴

مفهوم بیت این گزینه بر تفاوت نگاه شاعر نسبت به بهشت و دوزخ اشاره دارد؛ در حالی که در سایر ابیات، همانند بیت صورت سؤال چنین بیان شده که عشق به معشوق از همه چیز دو جهان برتر و والاتر است.

۹- گزینه ۱

مفهوم بیت صورت سؤال لزوم صبر در برابر مشکلات است، در حالی که مفهوم بیت این گزینه آن است که شاعر چاره‌ای جز صبر کردن ندارد و این صبر برای او تلخ و ناگوار است.

۱۰- گزینه ۴

در بیت گزینه «۴»، شاعر با ساختن تصویری از گوش دادن ماه به قصه حُسن معشوق، در زیبایی او اغراق می‌کند؛ اما بیت صورت سؤال و ابیات دیگر گزینه‌ها همگی شامل مفهوم عدم توجه معشوق به ناله‌ها و گله عاشق‌اند.

۱۱- گزینه ۲

در ابیات صورت سؤال و بیت گزینه «۲»، بر لزوم حرکت و عدم رکود برای زنده ماندن و پیشرفت تأکید شده است.

۱۲- گزینه ۴

در بیت گزینه «۴»، شاعر، مخاطب را به عدم تحقیر فروتنان و خاکساران فرامی‌خواند و دلیلش این است که معلوم نیست کسی در این دنیا سواره (برتر از دیگران) باشد.

در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»، مفهوم اصلی حول عدم قرار دنیا و احوالات آن است و شاعر بر این اساس دل بستن به دنیا را منع می‌کند.

۱۳- گزینه ۳

در بیت صورت سؤال به ستایش طلب، تلاش و خستگی‌ناپذیری از آن توجه دارد، در حالی که در بیت گزینه «۳» ترک کوشش راه رسیدن به مقصود دانسته شده است.

۱۴- گزینه ۱

مضمون مشترک بیت سؤال و گزینه ۱: برای رسیدن به بزرگی و سروری، باید سکوت پیشه کرد و خودبینی‌ها را کنار گذاشت.

۱۵- گزینه ۲

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲» تفکر کردن پیش از سخن گفتن است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: دشنامی که نمی‌توانی بشنوی نگوی.

گزینه «۳»: تأکید بر خاموشی

گزینه «۴»: تواضع کردن

۱۶- گزینه ۳

مفهوم بیت نخست گزینه «۳» «لزوم قانع بودن و خشنودی هر که اندک مالی دارد» است و مفهوم بیت دوم نکوهش مال‌اندوزی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تأکید بر تواضع و فروتنی

گزینه «۲»: دل نبستن به دنیای فانی

گزینه «۴»: علاج واقعه قبل از وقوع

۱۷- گزینه ۴

مفهوم بیت چهارم، نفی ریاکاری است.

۱۸- گزینه ۳

مفهوم گزینه «۳»، ناتوانی عقل در برابر عشق است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ناتوان بودن قضا و قدر و سرنوشت از حل کردن مشکلات

گزینه «۲»: ترجیح دادن بدنامی بر آبرو و نام نیک

گزینه «۴»: عامل دولت و ثروت بودن عقل

۱۹- گزینه ۳

بیت ج: بی زاد و توشه بودن (نداشتن بال و پری سزاوار چمن)

بیت الف: نکوهش آزمندی (نان جو خوردن و قناعت کردن)

بیت ب: پرورده گویی (لؤلؤ استعاره از سخنان گزیده)

بیت د: اوضاع نابسامان (برگشتن ورق و عاجز شدن شیر در برابر مور)

۲۰- گزینه ۴

تلاش برای آگاهی و بیداری مردم در مقابل ظلم و ستم حاکم بر جامعه و انتظار بیهوده کشیدن برای رسیدن به آزادی، مضمون مشترک منظومه سؤال و گزینه «۴» است.

۲۱- گزینه ۳

در رباعی صورت سؤال، شاعر، تلاش طولانی مدت خود را برای کامیابی دل و راحتی تن، نامراد می بیند و به این نتیجه می رسد که راحتی و آسایش در دنیای فانی به وقوع نمی پیوندد، پس باید قید راحت طلبی را زد. این مفهوم به انواع مختلف در گزینه های «۱»، «۲» و «۴» تکرار شده، اما عبارت گزینه «۳»، آسودگی دیگران را لازمه آسایش فرد دانسته است.

۲۲- گزینه ۱

بیت صورت سؤال، از ابیات شاعران مکتب واسوخت است. در این مکتب، معشوق توسط عاشق ستایش نمی شود، بلکه عاشق هجران دیده معشوق را لعن و نفرین کرده و با او با لحن خوبی سخن نمی گوید. در بیت صورت سؤال هم شاعر به معشوق هشدار می دهد که اگر دل از او برکند، دیگر باز نخواهد گشت. مفهوم مقابل این بیت (یعنی ستایش معشوق و پایداری بر سر عشق او) در ابیات گزینه های «۱»، «۲»، «۳» و «۴» دیده می شود.

مفهوم بیت گزینه «۱»: دل کوچک من لایق معشوقی چنین بزرگ و والامقام نیست.

۲۳- گزینه ۲

مفهوم عبارت سؤال و بیت گزینه «۲»، سرمست شدن عاشق از زیبایی معشوق است.

۲۴- گزینه ۴

مفهوم عبارت صورت سؤال این است که فاعل مطلق خداست که این مفهوم فقط در گزینه «۴» دیده نمی شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ما چون سازی در دست تو هستیم که نوازنده تویی.

گزینه «۲»: وقتی ما تیراندازی می‌کنیم، در اصل خداوند تیر می‌اندازد.

گزینه «۳»: در بازی شطرنج برد و مات اصلی از توست.

۲۵- گزینه ۲

در گزینه «۲» به گذر عمر و پیری و مکار بودن جهان اشاره شده است، اما در سه گزینه دیگر بی‌وفایی جهان و توصیه به عدم دل‌بستگی به آن مورد تأکید است.

۲۶- گزینه ۴

عبارت سؤال به ایثار و از خودگذشتگی و ترجیح دادن دیگران بر خود با وجود نیازمندی اشاره دارد که همین مفهوم از بیت گزینه «۴» نیز دریافت می‌شود.

۲۷- گزینه ۳

در بیت سؤال و عبارت گزینه «۳» به این مفهوم اشاره شده است که انسان بی‌ارزش با رسیدن به مقام و رتبه‌های بالا، صاحب ارزش نمی‌شود و انسان ارزشمند و پُر‌مایه نیز همواره و در هر حال، ارزشمند و گرانقدر است. (خلاب: لجن‌زار)

۲۸- گزینه ۲

مفهوم این عبارت تأکید بر رازداری هنگام مواجهه با نادان است.

۲۹- گزینه ۱

در عبارت سؤال هدف ابوالفضل بیهقی جاودانه کردن و زنده نگه داشتن نام کتاب خود «تاریخ بیهقی» در روزگاران و طول تاریخ است که معادل همین مفهوم در گزینه «۱» در بیت فردوسی آمده است که «شاهنامه» را هم‌چون کاخ بلندی برافراشته می‌داند که هرگز گزند و آسیبی به او نخواهد رسید.

۳۰- گزینه ۱

عبارت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» می‌گویند که عشق قابل پنهان کردن نیست و به هر صورت خود را نشان می‌دهد؛ اما شاعر در بیت گزینه «۱» می‌گوید: «این معشوق را رها کرده و به دنبال معشوقی دیگر می‌روم.»

۳۱- گزینه ۱

در عبارت صورت سؤال به این موضوع اشاره شده است که برای رسیدن به مقصود باید سختی‌ها را تحمل کرد که این مفهوم در بیت‌های گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» نیز آمده است، درحالی‌که در گزینه «۱»، شاعر می‌گوید: «هرچند گناهکارم ولی باز هم به بخشش خداوند امیدوارم.»

۳۲- گزینه ۴

در عبارت صورت سؤال و سه گزینه دیگر، حجاب و مانع میان عاشق و معشوق، خود عاشق است که اگر از میان برود وصال میسر می‌شود.

۳۳- گزینه ۴

مفهوم گزینه «۴» تأکید بر شکرگزاری و قناعت در برابر نعمات خداوند است.

۳۴- گزینه ۲

نویسنده از سخن گفتن خودداری می‌کند تا مورد انتقاد دیگران واقع نشود.

۳۵- گزینه ۳

مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط: بی‌ارزش دانستن بهشت بدون معشوق

مفهوم بیت گزینه «۳»: ارزشمند بودن دل خالی از هوس

۳۶- گزینه ۳

بیت گزینه «۳» بیانگر بی‌تعلقی و وارستگی عاشقان است که در عبارت صورت سؤال مطرح نشده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پس من دنیا را بدان چاه پر آفت، مانند کردم و

گزینه «۲»: لذات این جهانی که فایده آن اندک و رنج آن بسیار است و راه نجات بر آدمی بسته می‌گرداند.
گزینه «۴»: دنیا را بدان چاه پر آفت مانند کردم و موشان سیاه و سپید و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر
شب و روز و

۳۷- گزینه ۳

در عبارت صورت سؤال، عقل محافظه‌کار است و ناتوان؛ و عشق تندرو و توانا و چابک حرکت می‌کند. ابیات
مرتبط نیز بیانگر همین مفهوم هستند.

در بیت گزینه «۳» شاعر سودای عشق یار را بهانه می‌کند که خودش را دیوانه جلوه دهد؛ در این بیت،
مقایسه صریحی بین عقل و عشق نشده است.

۳۸- گزینه ۳

مفهوم کلی عبارت صورت سؤال تقبیح زهد و عبادت ظاهری و توصیه به اخلاص در عبادت و زندگی است.
این مفهوم در بیت گزینه «۳» نیز بیان شده است.

۳۹- گزینه ۴

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» همگی به حتمیت مرگ اشاره دارند؛ اما بیت گزینه «۴» مفهومی متفاوت
دارد (زندگی دنیوی بی‌حاصل و بی‌ثمر است و به مرگ منتهی می‌شود).

۴۰- گزینه ۱

گزینه «۱»: مفهوم عبارت: علت رجیم بودن شیطان آن است که به او اجازه ورود به دل آدمی ندادند.
مفهوم بیت: دلیل سجده نکردن شیطان در برابر انسان آن بوده است که از عشق پنهان آدمی بی‌خبر بوده
است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: مفهوم مشترک: از میان موجودات تنها انسان بار امانت الهی را بر دوش کشید.

گزینه «۳»: مفهوم مشترک: فرشتگان از عشق بی‌خبر هستند.

گزینه «۴»: مفهوم مشترک: دل محصول آمیختگی عشق با وجود (خاک) آدمی است.

۴۱- گزینه ۴

بیت این گزینه همانند عبارت صورت سؤال به این نکته اشاره دارد که انسان برای رسیدن به وصال و لقای پروردگار باید از جان خویش بگذرد.

۴۲- گزینه ۴

عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۴»، هر دو بر این مفهوم تأکید دارند که ذات انسان ثابت است و با تغییر جایگاه او، تغییر نمی‌یابد.

۴۳- گزینه ۲

عبارت صورت سؤال، به سرزنش زاهدانی می‌پردازد که به مردم پند و اندرز می‌دهند، ولی خود به کار دیگری برخلاف نصایح خود می‌پردازند «زاهدان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند / چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند»

در بیت گزینه «۲» نیز به این مفهوم اشاره شده است که واعظ هرچند در ظاهر به پند و نصیحت و رعایت اصول شرع می‌پردازد ولی در باطن کافر سیرت است. در سایر گزینه‌ها شاعر به انحای دیگر «وعاظ» را سرزنش می‌کند.

۴۴- گزینه ۳

عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۳»، هر دو به این نکته اشاره دارند که تمییز بین بخیل و کریم نزد انسان‌ها، ناشی از طمع آن‌هاست.

۴۵- گزینه ۱

عبارات صورت سؤال ابیات گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» این مفهوم را بیان می‌دارد که خوبی و بدی و ضعف و قوت در کنار هم هستند و مطلق گرایی صحیح نیست (اشاره به مفهوم نسبی گرایی). اما در بیت گزینه «۱» هم‌نشینی یار را دلیل بر خوش شدن جان می‌داند (این بیت دارای اسلوب معادله است).

۴۶- گزینه ۴

بیت این گزینه به سختی‌های راه عشق اشاره دارد که باعث می‌شود شیر هم در این مسیر تبدیل به روباه شود (ناتوان و ضعیف شود). این مفهوم، در عبارت صورت سؤال دیده نمی‌شود.

۴۷- گزینه ۲

مفهوم عبارت سؤال به ناپایداری مقام و شوکت و حکومت و سلطنت حاکمان و فرمانروایان اشاره دارد که از گزینه «۲» نیز همین مفهوم دریافت می‌شود.

۴۸- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات، مناعت طبع و تأکید بر فدا نکردن ارزش‌های انسانی به پای صاحبان قدرت و افراد نااهل و بی‌ارزش است.

۴۹- گزینه ۳

همه ابیات به جز بیت این گزینه، در مدح «راست‌گویی» هستند. ابیات گزینه‌های «۱» و «۴» به این موضوع اشاره دارند که صبح نخستین، سیه‌روی است، زیرا لاف روشنی‌زده و دروغ گفته است. در گزینه «۲» نیز به تمجید راست‌گویی پرداخته شده است، درحالی‌که در گزینه «۳»، به نکوهش تنبلی و بیکارگی می‌پردازد.

۵۰- گزینه ۲

مفهوم ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»: توصیه به آسان‌گیری و گذراندن عمر در خوشی و شادمانی و استفاده از نعمات و داشته‌ها و اندوخته‌های خود است؛ چراکه باقی گذاشتن اموال و برجای گذاشتن آن‌ها برای دیگران، هیچ فایده‌ای دربر ندارد.

مفهوم بیت گزینه «۲»: نکوهش حرص، طمع و آزمندی

۵۱- گزینه ۱

مفهوم کلی بیت صورت سؤال، توصیه به بذل و بخشش است. این مفهوم در گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» نیز دیده می‌شود، اما در گزینه «۱»، توصیه به بخشش دیده نمی‌شود.

۵۲- گزینه ۱

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۲، ۳ و ۴»: برای به‌دست آوردن مقام و بزرگی باید خطرات را با جان و دل پذیرا بود.

مفهوم بیت گزینه «۱»: از زندگی لذت ببر و جاه و مقام را رها کن.

۵۳- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات مرتبط، «ضرورت رنج و خطر برای رسیدن به مقصود» است اما در بیت گزینه «۲» شاعر تسلیم و رضا را موجب آسایش و آرامش می‌داند.

۵۴- گزینه ۴

عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۴» به مفهوم پندپذیری از پیران اشاره دارند. توجه: در بیت گزینه «۱»، منظور از «پیر مغان» مفهوم عرفانی راهنما و انسان کامل است.

۵۵- گزینه ۲

مفهوم عبارت سؤال و بیت گزینه «۲»، غنیمت شمردن فرصت عمر است.

۵۶- گزینه ۴

عبارت صورت سؤال به عزت نفس و مناعت طبع قاضی بست در کتاب تاریخ بیهقی اشاره دارد که با وجود نیازمندی، هدیه و بخشش سلطان مسعود را از بونصر مشکان می‌گیرد و دوباره آن را بازمی‌گرداند و می‌گوید که من به این زرها نیازی ندارم و از حساب روز قیامت می‌ترسم. در گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» نیز بر مناعت طبع تأکید شده است، اما در گزینه «۴» می‌گوید که همراه شدن با کسانی که توانایی و قدرت بیشتری دارند (در حالی که خود ناتوانی)، نشانه نادانی انسان است و موجب زیان او می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: عنقا (سیمرغ) حتی اگر از شدت بی‌نوایی و فقر بمیرد محال است که شکار پرندگان کوچکی مانند گنجشک را از آن‌ها بگیرد.

گزینه «۲»: نهنگی که در عمیق‌ترین جای دریا مکان دارد، هرگز از آب جوی نمی‌آشامد.

گزینه «۳»: عقابی که در اوج آسمان پرواز می‌کند، هرگز به صید پرنده‌های کوچک توجه نمی‌کند.

۵۷- گزینه ۳

در عبارت صورت سؤال، نویسنده قناعت را سبب عزت و بزرگی می‌داند و در سه گزینه دیگر نیز قناعت کردن و نداشتن آرزو و طمع توصیه شده است؛ درحالی که در گزینه «۳» مولانا می‌گوید: «گریه طفل حلوا فروش، باعث جوشش رحمت خدایی می‌شود.»

۵۸- گزینه ۴

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» همگی به حتمیت مرگ اشاره دارند اما بیت گزینه «۴» به کلی مفهومی متفاوت دارد (درک و دانش در زندگی وجود دارد و بعد از مرگ به پایان می‌رسد).

۵۹- گزینه ۲

عبارت مورد سؤال که از قابوس‌نامه انتخاب شده است و ابیات «۱»، «۳» و «۴» همگی می‌گویند که رفتار انسان به هنگام جوانی و پیری باید مناسب سنش باشد. بیت «۲» مفهومی متفاوت دارد و می‌گوید: «معمولاً در جوانی عیبی وجود ندارد، اما در پیری صدها عیب نهفته است.»

۶۰- گزینه ۳

مفهوم متن صورت سؤال: طمع‌کاری و قانع نبودن، موجب ذلت انسان می‌شود.
گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» با این مفهوم تقابل (تضاد) معنایی دارند و بر مفهوم «قناعت» تأکید می‌کنند.

۶۱- گزینه ۲

ابیات «ب، د، ه» مشترکاً با مفهوم حدیث صورت سؤال تناسب دارند. در حدیث صورت سؤال، قلم نخستین خلقت خداوند دانسته شده است.

مفهوم دیگر ابیات:

الف) عشوه معشوق و بیگانه‌نمایی او با ناز کردن

ج) اولین مخلوق، نام معشوق ازلی دانسته شده است.

۶۲- گزینه ۲

پیام صورت سؤال: ثبت سرنوشت و کردار همگان

پیام بیت گزینه «۲»: غافل نمی‌داند که قلم همه چیز را ثبت می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: جنبش و خیزش مردم دژنشین

گزینه «۳»: خفته دل و غافل نباش.

گزینه «۴»: دل آگاه و بیدار از قلم و شمشیر برتر است.

۶۳- گزینه ۲

مفهوم وطن‌دوستی در ابیات صورت سؤال و بیت گزینه «۲» دیده می‌شود.

۶۴- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: سپری شدن ایام خوب زندگی و از عزّت به ذلّت رسیدن

مفهوم بیت گزینه «۲»: شکست در زندگی موجب پیروزی و سربلندی است.

۶۵- گزینه ۳

عبارت پایانی بیانگر «کسب مال از راه پسندیده و حلال» است. عین مفهوم «کسب روزی حلال» در بیت

گزینه «۳» نیز مطرح شده است. (الفغدن: اندوختن، گرد کردن)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: دعوت به نیکی کردن

گزینه «۲»: بیان قناعت و خرسندی از کم دنیا

گزینه «۴»: دعوت به معنویت و نکوهش جاه و مال

۶۶- گزینه ۳

در بیت گزینه «۳» شاعر به بلندمرتبه‌گی و بخشندگی و سخاوت ممدوح (پادشاه) پرداخته است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: متناسب با مفهوم عبارت «ای کریمی که بخشنده عطایی»

گزینه «۲»: متناسب با مفهوم عبارت «ای صمدی که از ادراک خلق جدایی»

گزینه «۴»: متناسب با مفهوم عبارت «ای حکیمی که پوشنده خطایی»

۶۷- گزینه ۳

بیت گزینه «۳» بیانگر صفت علام‌الغیوبی (غیب‌دانی) خداوند است که در متن نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: پوشنده خطایی

گزینه «۲»: ای احدی که در ذات و صفات بی‌همتایی

گزینه «۴»: از ادراک خلق جدایی

۶۸- گزینه ۱

شاعر در این بیت از خداوند می‌خواهد دلی عاشق به وی عطا کند. به ترتیب در ابیات گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» شاعر از خداوند می‌خواهد که «زبان وی را به گفتن آتش آلود کند»، «کلام وی را به گونه‌ای گرم و پرحرارت کند که آتش گرما را از آن گدایی کند» و «بیانی آتشین به زبان وی عطا کند»؛ همگی این عبارات بیانگر این هستند که شاعر از خداوند می‌خواهد که «توانایی ابلاغ مؤثر اندیشه» را به وی عطا کند.

۶۹- گزینه ۴

در سه گزینه اول، شاعر به وابستگی آرامش به زلف یار اشاره دارد، ولی در گزینه «۴» می‌گوید که موی دوست، حلقه دام بلا و سبب ناآرامی است.

۷۰- گزینه ۳

مفهوم همه ابیات با هم تناسب مفهومی دارند، به جز بیت گزینه «۳».

در بیت اول گزینه «۳»، شاعر به دشواری غم عشق اشاره دارد و می‌گوید: «خاری که بر دل می‌نشیند (یعنی عشق)، آزاردهنده‌تر از خاری است که در پای فرو می‌رود»، در حالی که در بیت دوم این گزینه، شاعر می‌گوید: «با وجود غم عشق معشوق، رفتن به سوی زیبارویان دیگر نشانه کوتاه‌نظری است».

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، هر دو بیت به این موضوع اشاره دارند که شاعر هر چند گناهکار است ولی باز به عفو خداوند امید دارد.

هر دو بیت گزینه «۲»، به این موضوع اشاره دارند که جهان خلقت در ذات خود عیبی ندارد.

هر دو بیت گزینه «۴»، به این مفهوم اشاره دارند که شاعر قادر به گفتن راز دل خود به دیگران نیست.

۷۱- گزینه ۴

مفهوم مصراع سؤال و بیت گزینه «۴» این است که کسی که درد نکشیده، خام و کوتاه‌نظر می‌باشد و درد پختگان و بلندنظران را نمی‌فهمد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: وقتی که کسی با خورشید راز گفتن را تجربه کند، به گفت‌وگو با ذره قانع نمی‌شود.

گزینه «۲»: نه می‌توان به او رسید و نه می‌توان در راهش صبوری کرد.

گزینه «۳»: کمک گرفتن از دانایان و پیران که تجربه دارند.

۷۲- گزینه ۱

بیت صورت سؤال و گزینه «۱» بیان می‌کند که دست‌مایه رنج و تلاش فرد را کس دیگری بدون رنج برمی‌دارد، چنان که در مصراع دوم گزینه «۱» می‌گوید: نهاد گنج به صد رنج و دیگری برداشت!

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: نعمت و ثروت بیش از حد نیز رنج‌آور است. (نکوهش پرخوری)

گزینه «۳»: به اندازه زحمت نتیجه می‌گیری.

گزینه «۴»: به اندازه نیاز کار انجام بده.

۷۳- گزینه ۳

بیت صورت سؤال اشاره به «کثرت مظاهر خداوند و این که هر پدیده‌ای یک جلوه از تجلی اوست» دارد که در گزینه «۳» نیز این مفهوم بیان شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: علت اعطای دیده بصیر به انسان‌ها، دیدن جمال خداوندی است.

گزینه «۲»: ناتوانی در توصیف

گزینه «۴»: برای دیدن تو باید بصیرت داشت.

۷۴- گزینه ۴

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» صبر را برای وصال یار امکان‌پذیر می‌دانند اما بیت گزینه «۴» آن را غیرممکن می‌داند.

۷۵- گزینه ۴

ابیات صورت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» مفهوم لزوم پیروی از راهنما و انسان کامل را دربردارند اما شاعر در بیت گزینه «۴» می‌گوید با پیروی از راهنما گمراه شده است.

۷۶- گزینه ۳

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» همگی به افزونی لطف خداوند نسبت به گناه بندگان اشاره دارند اما بیت گزینه «۳» مفهومی متفاوت دارد.

۷۷- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: انسان بی‌عشق، مرده‌ای بیش نیست.

مفهوم بیت ۲: عشق موجب وارستگی و ترک تعلقات است.

۷۸- گزینه ۳

مفهوم مشترک رباعی‌های گزینه‌های «۱، ۲ و ۴»: حتمی بودن مرگ

مفهوم رباعی گزینه «۳»: اعتقاد به قضا و قدر (جبرگرایی)

۷۹- گزینه ۱

مفهوم بیت نخست گزینه «۱»: بی‌خبری انسان‌های آسوده از حال عاشق گرفتار عشق

مفهوم بیت دوم گزینه «۱»: ناامیدی انسان (شاعر) و غمگین بودن او برای پیدا نشدن راه‌هایی

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: تحمل سختی‌های راه عشق و پذیرا بودن عاشق

گزینه «۳»: ارزش‌مندی خلق و خوی نیک و ترجیح آن بر دیگر اعمال انسانی

گزینه «۴»: ارزش‌بخشی عشق به وجود انسان و پاینده و جاویدشدن عاشق

۸۰- گزینه ۳

بیت گزینه «۳» با عبارت صورت سؤال از نظر حیات یافتن از عشق، ارتباط معنایی دارد.

۸۱- گزینه ۴

مفهوم متن داده شده در صورت سؤال و بیت گزینه «۴» این است که در برابر عشق نمی‌توان ایستادگی کرد، بلکه باید تسلیم عشق بود.

۸۲- گزینه ۳

در عبارت ذکر شده در صورت سؤال نویسنده شخصی را توصیف می‌کند که اگرچه ظاهر بدی دارد ولی در باطن شخص ارزشمند و نیکویی است اما در بیت گزینه «۳» شاعر فردی را با ظاهر خوب توصیف می‌کند که باطنی معیوب دارد.

۸۳- گزینه ۳

در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۳» به خطر نکردن خردمند اشاره می‌شود.

۸۴- گزینه ۲

ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴»، همانند عبارت سؤال نفی ظاهر و تأکید بر سیرت است، اما در بیت گزینه «۲» توجه شاعر به صورت زیبای معشوق مدنظر است.

۸۵- گزینه ۴

«چه» در گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» مثل صورت سؤال برای تعلیل آمده است ولی در گزینه «۴» مفهوم استفهامی دارد.

۸۶- گزینه ۲

عبارت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های «الف و ج» به غفار بودن و ستار بودن خداوند و این که خدا گناهکاران را رسوا نمی‌کند اشاره می‌نماید.

۸۷- گزینه ۲

در ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» سبزه و گل و خوشه انگور و فصل بهار توصیف شده است. در متن صورت سؤال نیز خرده مینا استعاره از گل و سبزه و عقد ثریا استعاره از خوشه انگور است. در بیت گزینه «۲» شاعر به توصیف زیبایی معشوق پرداخته و گردنبند زیبای او را به عقد ثریا تشبیه کرده است.

۸۸- گزینه ۲

مرد در صورت قبحی داشت یعنی زشت‌رو بود، پس نیک‌منظر نبود.

گزینه «۱»: به جمال محاسن خصال هر چه آراسته‌تر بود: به نیکویی‌های اخلاق بسیار آراسته بود ← نیک‌خویی.

گزینه «۳»: من او را با سر رشته راستی افکنم: من راه درست را به او نشان خواهم داد ← نیک‌اندیشی.

گزینه «۴»: نقش از روی کار باز خواند: از ظاهر امر پی به باطن برد: تیزهوشی

۸۹- گزینه ۱

مفهوم عبارات صورت سؤال و بیت این گزینه: محبوب با اراده خود انسان را عاشق می کند و انسان در این امر اختیاری ندارد.

۹۰- گزینه ۴

در عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۴» به توأمان بودن رنج و شادی اشاره شده است.

۹۱- گزینه ۳

صورت سؤال و بیت گزینه «۳» هر دو به این مطلب اشاره دارند که افراد ثروتمند با وجود استطاعت مالی به افراد فقیر کمک نمی کنند.

۹۲- گزینه ۲

«سیم بخیل از خاک وقتی برآید که وی در خاک رود»: ثروت انسان خسیس وقتی مشخص می شود که بمیرد (چون به محض مردن وارثان مشخص می شوند). مفهوم بیت: افراد خسیس با رنج، ثروتی جمع می کنند و وارثان پس از مرگ آنان، دارایی هایشان را تقسیم می کنند.

۹۳- گزینه ۲

منظور این بیت این است که اگر هر چیزی فراوان شود، بی ارزش می شود. گزینه «۱»: فرد حریص و آزمند، جسد را سفره غذا می پندارد و چشم سیری ندارد. گزینه «۳»: فرد حریص از نعمت های دنیا سیر نمی شود، همان طوری که هیچ گاه چاه از شبنم پر نمی شود. گزینه «۴»: سگ، کلوخ را استخوان می پندارد و خواهان آن است.

۹۴- گزینه ۲

عبارت صورت سؤال از مال اندوزی منع می کند زیرا افراد زیادی بوده اند که مالی به مشقت فراهم آورده اند و از این دنیا رفته اند و مالشان مانده است.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فراغت از حرص و طمع به وسیله رحمت خداوند

گزینه «۲»: دعوت به خوش بودن و عدم مال‌اندوزی با اشاره به داستان قارون

گزینه «۳»: بخشش از مال دیگران ارزشی ندارد.

گزینه «۴»: امید به توجه کردن معشوق به اینکه عاشق همه چیزش را در راه عشق او فدا می‌کند.

۹۵- گزینه ۲

ابیات «ب، د، ه» مشترکاً با مفهوم حدیث صورت سؤال تناسب دارند. در حدیث صورت سؤال، قلم نخستین خلقت خداوند دانسته شده است.

۹۶- گزینه ۳

در عبارت صورت سؤال، گوینده معتقد است که عزیز خداوند با ردّ مخلوق، مردود نمی‌شود و مردود خداوند، با قبول مردم به درگاه حق پذیرفته نمی‌شود. اما در گزینه «۳» شاعر معتقد است که خدا هر کس را بخواهد، عزیز و هر کس را بخواهد، خوار می‌کند.

نکته: تفاوت ظریف گزینه‌های دیگر با گزینه «۳» در این است که ردّ و قبول خلق تأثیری در عزت و ذلت بندگان ندارد.

۹۷- گزینه ۴

مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه «۴»، ترک وابستگی‌های دنیا و شهادت در راه معشوق حقیقی است.

۹۸- گزینه ۳

بیت گزینه «۳» و حدیث پیامبر (ص) هر دو بر این مفهوم تأکید دارند که قلم، «اولین آفرینش خداوند» است.

۹۹- گزینه ۳

در بیت صورت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»، به این امر اشاره شده است که عشق مایه حیات و زندگی انسان است. بیت گزینه «۳» به بی‌ارزش بودن دل افسرده تأکید دارد و مصراع دوم تنها اسلوب معادله‌ای است برای مصراع اول.

۱۰۰- گزینه ۲

ابیات «۱»، «۳» و «۴» به بی‌ثباتی جهان اشاره دارند اما مفهوم بیت گزینه «۲» این است که در راه رسیدن به معشوق باید از امور جسمانی دست کشید.

۱۰۱- گزینه ۳

واژه «پرده‌پوش» در گزینه «۳»، بیانگر این است که خداوند پوشنده خطاهاست. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: خداوند روزی‌رسان است.

گزینه «۲»: تو صاحب اختیار هستی.

گزینه «۴»: ناتوانی خرد در توصیف خداوند (نداند = نتواند)

۱۰۲- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» این است که تواضع و فروتنی موجب سربلندی و ارزشمندی است.

مفهوم بیت گزینه «۲»: با مدارا و نرمی می‌توان بر دشمن غلبه کرد.

۱۰۳- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: سپری شدن ایام خوب زندگی و از عزت به ذلت رسیدن

مفهوم بیت گزینه «۲»: شکست در زندگی موجب پیروزی و سربلندی است.

۱۰۴- گزینه ۱

بیت گزینه «۱»، هم‌چون عبارت سؤال، مفهوم وحدت وجود را بیان می‌کند. مفهوم ابیات گزینه‌های دیگر به ترتیب «فنا»، «سپاسگزاری خالصانه» و «خداشناسی از طریق خودشناسی» است.

۱۰۵- گزینه ۲

در بیت صورت سؤال، سعدی، دانایان را به پند دادن ترغیب می‌کند و همین تشویق کردن، گواه بر این است که تربیت در نهایت تأثیر خود را (حتی در موقع پشیمانی) خواهد گذاشت؛ اما در بیت گزینه «۲»، «بدگهر بودن» آهن و خصلت ذاتی او، مانع از تأثیر صیقل (تربیت برای انسان) دانسته شده است. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «جور استاد» یا همان تربیت همراه با عتاب و تنبیه، از مهر پدر بهتر دانسته شده است.

گزینه «۳»: «چوب تر» به دلیل انعطاف، زود خم می‌شود؛ اما «چوب خشک» را هم اگرچه «بدگهر» است، با آتش می‌توان تغییر داد.

گزینه «۴»: تأثیر همنشین خوب بر انسان، همان تأثیر تربیت است.

۱۰۶- گزینه ۴

مفهوم بیت گزینه «۴» توصیف موی معشوق است و ارتباطی با شادی و خوش‌باشی شاعر ندارد.

۱۰۷- گزینه ۲

مفهوم ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» توصیه به آسان‌گیری و گذراندن عمر در خوشی و شادمانی و استفاده از نعمات و داشته‌ها و اندوخته‌های خود است؛ چرا که باقی گذاشتن اموال برای دیگران، هیچ فایده‌ای در بر ندارد.

مفهوم بیت گزینه «۲»: نکوهش حرص، طمع و آزمندی

۱۰۸- گزینه ۲ در عبارت ذکر شده در صورت سؤال نویسنده شخصی را توصیف می‌کند که اگرچه ظاهر

بدی دارد ولی در باطن شخص ارزشمند و نیکویی است؛ اما در بیت گزینه «۳» شاعر فردی را با ظاهر خوب توصیف می‌کند که باطنی معیوب دارد.

پاسخنامه تست های پایه یازدهم

۱۰۹- گزینه ۴

ابن یمین، شاعر ابیات مذکور است که در شعر خود، قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار داده است.

۱۱۰- گزینه ۳

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: گرفتاری و مصیبت بیش‌تر نصیب نزدیکان و مقربان می‌شود.

مفهوم بیت گزینه ۳: «۳»: موجود گرفتار ترسی از بلا و سختی‌های بیش‌تر ندارد.

۱۱۱- گزینه ۱

مفهوم بیت گزینه ۱: «۱» بازگشت به اصل یا تعلّق نداشتن روح آدمی به دنیای مادی و مفهوم سایر ابیات، بی‌اعتنایی به دنیا و ناپایداری زندگی دنیوی است.

۱۱۲- گزینه ۴

مفهوم گزینه ۴: «۴»، بی‌خوابی و گریستن عاشق به‌خاطر دوری از معشوق است.

۱۱۳- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: لازمه رسیدن به معشوق، ترک تعلّقات و گذشتن از خود است.

مفهوم بیت گزینه ۲: «۲»: با خودشناسی به خداشناسی رسیدن

۱۱۴- گزینه ۴

مفهوم بیت صورت سؤال، فراموش کردن خود و گذشتن از وجود مادی برای رسیدن به معشوق است که در

گزینه ۴: «۴» نیز آمده است. در بیت گزینه ۴: «۴»، مانع وصال، وجود حجاب (یعنی خود) دانسته شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «۱»: مقایسه عتاب معشوق با خم سر زلف او

گزینه «۲»: سختی راه عشق

گزینه «۳»: منحصر بودن بلندمرتبه‌گی در طریق عشق

۱۱۵- گزینه ۱

مفهوم مشترک ابیات مرتبط «نابایداری ظلم و فناپذیری ظالم» و مفهوم بیت گزینه «۱» قساوت قلب و بی‌رحمی ظالم است.

۱۱۶- گزینه ۲

عبارت صورت سؤال، زندگی را فقط در صورتی زندگی می‌داند که عاشقانه باشد و مرگ را مساوی با بی‌عشق می‌داند. در بیت گزینه «۴» هم شاعر هر چیزی در دنیا به جز عشق را مانند کف روی آب دریا می‌داند و زندگی بی‌عشق را مساوی مرگ می‌داند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: آتش (مرگ)، ذات جاودانه عشق است و پروانه باید خود را به آتش بزند (به سوی عشق برود).

گزینه «۲»: بیت به تقابل عقل و عشق و برتری عشق اشاره دارد.

گزینه «۳»: عاشق شدن ملازم مرگ و نابودی است، همان‌طور که تمام گل‌های باغ بالاخره به گلاب تبدیل می‌شوند.

۱۱۷- گزینه ۴

مفهوم بیت گزینه «۴» پایداری در عشق است و شاعر در این بیت به بیان ماندگار بودن عشق معشوق در دل خود تا قیامت می‌پردازد.

۱۱۸- گزینه ۲

مفهوم مشترک عبارت سؤال و بیت دوم، بی‌ارزش بودن ثروت هنگام گرسنگی و درماندگی است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شکایت از جور فلک و سرنوشت

گزینه «۳»: قناعت

گزینه «۴»: توصیه به عدم درخواست از افراد لئیم

۱۱۹- گزینه ۴

مصراع دوم بیت صورت سؤال و مصراع دوم بیت گزینه «۴» هر دو دقیقاً یک مفهوم را بیان می‌کنند.
(ناراحت نشدن بزرگان از اعمال و گفتار زشت دیگران)

۱۲۰- گزینه ۲

مفهوم بیت داده شده: «فنا در عشق، مایه‌ی بقاست.»

این معنی، در بیت گزینه «۲» هم آمده است.

۱۲۱- گزینه ۱

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: پندپذیری از دنیا و ناپایداری آن

مفهوم بیت گزینه «۱»: توصیه به تواضع و ارزشمند دانستن آن

۱۲۲- گزینه ۴

مفهوم بیت صورت سؤال: «خط‌ها و خال‌ها، فهرست دفتر حسن و جمال تو هستند که در پس پردهٔ اجمال
آن‌ها، تفصیل‌ها و شرح‌های بسیاری نهفته است.» در واقع مفهوم بیت این است که حسن و جمال خداوند در
عالم خلقت پدیدار شده است که این مفهوم در بیت این گزینه نیز به چشم می‌خورد.

۱۲۳- گزینه ۱

ابیات صورت سؤال و گزینه «۱»، هر دو به این مفهوم اشاره دارند که عشق در عین سوزندگی، برای عاشق
سازنده است.

۱۲۴- گزینه ۱

در مصراع صورت سؤال و بیت گزینه «۱» به این مفهوم که زیبایی و خوبی از زشتی‌های کوچک بر هم نمی-
خورد، اشاره شده است.

۱۲۵- گزینه ۳

مفهوم بیت صورت سؤال و این گزینه: نکوهش عقل و استدلال‌های آن و این که عقل، آدمی را به سختی و تنگنا می‌افکند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تقابل عشق و عقل

گزینه «۲»: بیان سختی‌های راه عشق و نابودگری عشق

گزینه «۴»: ستایش آزادگی و وارستگی

۱۲۶- گزینه ۳

بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۳» هر دو به عدم ناامیدی از الطاف و رحمت خداوندی اشاره دارند.

۱۲۷- گزینه ۴

همه گزینه‌ها به جز بیت گزینه «۴»، به این مفهوم اشاره دارند که عفو خدا بسیار است، درحالی که در گزینه «۴»، عاشق می‌گوید که حتی حاضر است غرامت گناهان معشوق را بکشد.

۱۲۸- گزینه ۲

مفهوم هر دو بیت این است که عشق نردبان ترقی است و عاشق را به درجات بالاتر سوق می‌دهد؛ هرچند اگر در ابتدا زیان‌آور به نظر برسد.

۱۲۹- گزینه ۱

در بیت داده شده، «عقل» مذموم شمرده شده است. شیوهی عقل «استدلال» است و مولوی می‌گوید: «پای استدلالیان چوبین بود / پای چوبین سخت بی‌تمکین بود» این معنی، در ابیات گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» آمده است. در ابیات «پ و ث»، «عقل» مذموم شمرده نشده است.

۱۳۰- گزینه ۴

مفهوم بیت «الف»: بیهوده بودن تلاش آدمی (شاعر) در مقابل سختی‌های روزگار

مفهوم بیت «د»: بیهوده بودن (بی‌اثر بودن) سختی‌های روزگار در برابر مقاومت انسان (شاعر)

۱۳۱- گزینه ۱

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: ازلی بودن عشق و شور و غوغا افکندن عشق در جهان هستی

مفهوم سایر ابیات:

الف) شاعر به معشوق می‌گوید که از بس ناز و عشوه می‌کنی حال تو بر من معلوم نیست.

هـ) کرشمه معشوق باعث رویگردانی عاشق از زهد و تقوا شده است.

۱۳۲- گزینه ۴

همه ابیات درباره‌ی عفو بیرون از شمار خداوند نسبت به بندگان گنهکار است، ولی در بیت این گزینه شاعر

تنها به گناهان خود اقرار می‌کند و سخنی از عفو و بخشش خداوندی نیست.

۱۳۳- گزینه ۱

پروانه با فنا شدن، بال‌های زرّین به دست می‌آورد. عاشق با فنای در معشوق ارزش بیش‌تری می‌یابد که با

بیت گزینه «۱» هماهنگ است.

در گزینه «۲» هم بحث فنای عاشق مطرح شده ولی ارزش‌یافتن عاشق در آن نیست. عاشق فقط با سوختن و

فنا شدن از غم عشق رهایی می‌یابد.

۱۳۴- گزینه ۲

بیت «د»: غفلت از یوسف و چشم در کاروان بستن: عدم آگاهی

بیت «الف»: خزان زودرس برای برگ باعث می‌شود که در وقت بلا (پاییز) آسوده‌خاطر باشد: فراغت خاطر

بیت «ب»: عنان (افسار) نفس را نگه‌داشتن: خویش‌ن‌داری

بیت «ج»: از آستان نگذشتن یعنی در صدر نشستن و خود را بالاتر از دیگران ندیدن: توصیه به فروتنی

۱۳۵- گزینه ۳

مفهوم بیت صورت سؤال: شاعر ابتدا از عیب‌جویان که حکایت او را نزد معشوق فاش کرده‌اند، شکایت می‌کند، اما در بیت بعد می‌گوید از آنجا که درد مرا نزد درمان (معشوق) بازگو کرده‌اند، در اصل کار آن‌ها به نفع من بوده‌است.

در بیت گزینه «۳» نیز حافظ این نکته را گوشزد می‌کند که نباید از طعن حسودان دلخور شد؛ چرا که شاید خیر شخص مورد حسادت در همین باشد که این افراد او را طعن کنند.

۱۳۶- گزینه ۲

گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» بر پنهان نماندن و آشکار شدن راز عشق دلالت دارند. مفهوم گزینه «۲» به غیرارادی بودن عشق اشاره دارد و عشق را امری اکتسابی نمی‌داند.

۱۳۷- گزینه ۴

پیام نهایی عبارت صورت سؤال و بیت این گزینه «جذبه‌ی عشق» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: وسعت عشق

گزینه «۲»: ارزش‌بخشی عشق

گزینه «۳»: زندگی‌بخشی عشق

۱۳۸- گزینه ۱

در این بیت نوعی حکمت و استدلال عامیانه که حاصل روی‌گردانی از تجربیات عقلی و تفکر فلسفی سالم است و در نهایت به نوعی تقدیرگرایی و تسلیم در برابر حوادث منجر می‌شود، قابل مشاهده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

بیت گزینه «۲» در بیان بی‌تابی شاعر، در بیت گزینه «۳»، شاعر از اصطلاحات زبان عامیانه استفاده کرده و در گزینه «۴» شاعر با تشخیص و جان‌بخشی به صحرا می‌گوید حتماً معشوق او از بادیه رد شده که همه بی‌تاب هستند.

۱۳۹- گزینه ۱

مفهوم بیت گزینه «۱» این است که اگر مردم در گره‌گشایی از کار یکدیگر همکاری کنند، همه خوشحال خواهند بود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: شاعر با استفاده از تمثیل پسته خندان (که قاعدتاً زودتر خورده می‌شود)، خندیدن را منع می‌کند.

گزینه «۳»: جبهه‌واکرده (یعنی خنده‌رویی و خلق گشاده) باعث به تاراج رفتن زیبایی است، همان‌طور که گل شکفته (خندان) را گلچین زودتر می‌چیند.

گزینه «۴»: خندیدن بی‌وقت، گریه به دنبال دارد، پس تو هم اگر می‌خواهی مانند گل خندان چیده شوی، بخند.

۱۴۰- گزینه ۳

شاعر در این بیت عشق را بر عقل برتری می‌دهد و می‌گوید آنکه در پی شکار است، دام عقل است در حالی که دام عشق، حتی به شکارهای بزرگی چون سیمرغ و عنقا اعتنایی ندارد.

۱۴۱- گزینه ۳

در بیت مورد سؤال و گزینه «۳» به این امر اشاره شده است که کُل‌ها در میان جزءها قرار گرفته‌اند و دلِ هر ذره‌ای که شکافته شود، عظمت پروردگار نمایان می‌شود. مفهوم گزینه‌های دیگر به اشتیاق عاشق برای رسیدن به معشوق اشاره دارد.

پاسخنامه تست های دوازدهم

۱۴۲- گزینه ۲

در بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۲»، شاعر به کسی که از کاروان همراهان بازمانده است، هشدار می‌دهد که در غفلت نماند و خود را به آن‌ها برساند.

۱۴۳- گزینه ۱

مضمون مشترک ابیات گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» میهن‌دوستی و نگرانی و دغدغه وطن است اما در بیت گزینه «۱»، شاعر از نامساعد شدن اوضاع و شرایط روحی خود سخن می‌گوید.

۱۴۴- گزینه ۳

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴»: دعوت به مبارزه برای آزادی وطن
در بیت گزینه «۳» شاعر آرزوی بندگی درگاه معشوق را دارد.

۱۴۵- گزینه ۱

در بیت گزینه «۱» واژه «آزادگی» در معنای «وارستگی و بی‌تعلقی» به کار رفته و از درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری به‌شمار نمی‌رود. درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری در سایر ابیات به‌ترتیب «آزادی»، «وطن» و «قانون» است.

۱۴۶- گزینه ۲

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴»، «وطن‌دوستی» است که از مضامین شاخص شعر دوره بیداری محسوب می‌شود.

در بیت گزینه «۲» شاعر دیار معشوق را وطن خود می‌داند و حتی در دیار غریب هم احساس غربت نمی‌کند.

۱۴۷- گزینه ۴

مضمون مشترک ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» بیان رنج و محرومیت مردم و طبقه کارگر و کشاورز و ... است، اما در بیت گزینه «۴» به موضوع «تربیت» به عنوان یکی از موضوعات ادبیات عصر بیداری اشاره شده است.

۱۴۸- گزینه ۲

مضامین ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» سیاسی و اجتماعی و مضمون بیت گزینه «۲» غنایی است.

۱۴۹- گزینه ۲

در بیت صورت سؤال، شاعر صرفاً به غنیمت شمردن فرصت توصیه می کند و البته انجام کار خاصی را در این فرصت مد نظر ندارد. در میان ابیات گزینه ها، تنها بیت گزینه «۲» است که بر غنیمت دانستن وقت تکیه دارد.

۱۵۰- گزینه ۱

در ابیات گزینه های «۲، ۳ و ۴» به موضوع آزادی، در مفهوم امروزی آن، یعنی «دموکراسی» اشاره شده است؛ اما واژه «آزادی» در بیت گزینه «۱» به معنای رهایی و نجات یافتن آمده است.

۱۵۱- گزینه ۴

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سه بیت دیگر نفی تقلید است؛ اما در بیت گزینه «۴»، مفهوم بیت حول شکایت عاشق از معشوق می گردد.

۱۵۲- گزینه ۲

در ابیات گزینه های «۱، ۲ و ۴» به معشوق زمینی اشاره شده است اما در بیت گزینه «۳» مقصود از دوست، خداوند، یعنی معشوق آسمانی است.

۱۵۳- گزینه ۴

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۴» «مردم گریزی و دوری گزیدن از مصاحبت با مردم» است.

۱۵۴- گزینه ۱

عبارت صورت سؤال و بیت گزینه «۱» به تغییر دیدگاه و نگرش اشاره می کنند.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۲»: ادراک از درک تقدیر، ناتوان است.

گزینه «۳»: شادی ها از بین رفتنی است.

گزینه «۴»: هر چند که غم عشق داشتن خصلت دل است، اما چشم است که آفت دل می شود (عاشق می گرداند).

۱۵۵- گزینه ۲

مفهوم مشترک منظومه مورد سؤال و گزینه‌های «۱، ۳ و ۴»، «زیبانگری و مثبت‌بینی» است اما مفهوم گزینه «۲»، در نكوهش غرور و تكبر است.

۱۵۶- گزینه ۲

مفهوم بیت: انتظار تحرک و قیام از مردمی که با هم اتحاد ندارند، بی‌فایده است. در ابیات «الف»، «ج» و «د» هم به نوعی همین مفهوم وجود دارد و به «انتظار بیهوده» اشاره شده است.

۱۵۷- گزینه ۴

تلاش برای آگاهی و بیداری مردم در مقابل ظلم و ستم حاکم بر جامعه، و انتظار بیهوده کشیدن برای رسیدن به آزادی، مضمون مشترک منظومه سؤال و گزینه ۴ است.

۱۵۸- گزینه ۳

در ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» که از شاعران سنت‌گرای معاصر هستند، معشوق شاعر زمینی است و به تبع آن، تفکر شاعر حول امور زمینی می‌گردد اما در بیت گزینه «۳» شاعر با استفاده از تمثیل و برخی آرایه‌های ادبی دیگر، مفهومی عرفانی (زندانی بودن انسان، در این جهان به خاطر غفلت او) را در قالبی نو و بدیع، بازسازی کرده است که این ویژگی، بیت گزینه «۳» را به سبک هندی منسوب می‌کند.

۱۵۹- گزینه ۲

مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و بیت «۲»، ترجیح دادن خواست و مشیت الهی بر خواست و اراده بشر است که در نهایت موجب سعادت بنده می‌شود.

۱۶۰- گزینه ۴

در عبارت صورت سؤال آمده است که ضحاک به دلیل کارهای زشت خود گرفتار بود و به خاطر از میان بردن و هلاک کردن مردم، بیشتر مورد نفرت مردم قرار می‌گرفت تا این که مورد قصاص مردم واقع شد و از پای درآمد. در بیت «۴» نیز معادل همین مفهوم دیده می‌شود که کبک، موری را خورد و مورد قصاص باز قرار گرفت و دوباره باز نیز مورد قصاص عقاب واقع شد.

۱۶۱- گزینه ۱

لحن و مضمون ابیات گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» حماسی و بیانگر دعوت به مبارزه و پیکار با دشمن است اما در بیت گزینه «۱» به دوران ستم و استبداد اشاره شده است و لحنی روایی دارد.

۱۶۲- گزینه ۱

مفهوم «پایداری» در ادبیات انقلاب، مفهومی مطلوب و انقلابی است اما در این بیت به دلبستگی به دنیا به خاطر علایق دنیوی اشاره شده است که مفهومی نامطلوب و مذموم است. مفاهیم سایر گزینه‌ها صحیح است.

۱۶۳- گزینه ۳

مفاهیم و مضامین ادبیات انقلاب اسلامی در ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» عبارتند از: شهادت، جنگ، قرآن به سر نیزه کردن و ... در بیت گزینه «۳» مفهوم خاصی که مرتبط با قلمرو فکری ادبیات انقلاب باشد، وجود ندارد.

۱۶۴- گزینه ۲

ویژگی مشترک ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» اشاره به مفاهیم و مضامین اسلامی و عاشورایی است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: انتظار ظهور منجی عالم بشریت (حضرت مهدی «عج»)

گزینه «۳»: اشاره به واقعه عاشورا

گزینه «۴»: اشاره به اتفاقات صدر اسلام و جنگ احد

۱۶۵- گزینه ۲

فرهنگ عاشورایی و مضامین اسلامی دیگر، از درون‌مایه‌های اصلی شعر انقلاب هستند. در قطعه گزینه «۲»، شاعر خون شهید (امام حسین (ع)) را دلیل رفیع بودن مقام و مرتبه گودال (قتل‌گاه) می‌داند که یادآور عبارت صورت سؤال است که معنای آن عبارتست از «شرف مکان به کسی است که در آن سکنی دارد».

۱۶۶- گزینه ۴

در بیت صورت سؤال، شاعر از جوانی و بهاری بودن دل و درون خود می‌گوید و این سرخوشی روحی را در مقابل پژمردگی ظاهری قرار می‌دهد؛ عبارات «دلی سربلند» و «سری سر به زیر» در بیت گزینه «۴» نیز از همین تقابل ظاهر و باطن خبر می‌دهند.

۱۶۷- گزینه ۳

مضمون مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه «۳»: شرط رسیدن به معنویات و راه یافتن به اسرار الهی، داشتن «قلب و روان پاک و معنوی» است.

۱۶۸- گزینه ۲

متن صورت سؤال توصیف صحنه‌ای از دفاع مقدس است و نویسنده سعی کرده است، زیبایی‌ها را از دید شخصیتی در خلال جنگ، در توصیف خود بیان کند.

۱۶۹- گزینه ۳

متن صورت سؤال در توصیف قیام عاشورا است و در آن چهره این پدیده دینی به نحوی مطلوب و با استفاده از احساسات مخاطب، توصیف شده است.

۱۷۰- گزینه ۱

در ابیات گزینه‌های «۳» و «۴»، عاشق، ملامت دیگران را برای خود امر خوبی می‌داند (پر و بال در گزینه «۳» و سپر در گزینه «۴»). در بیت گزینه «۲» هم، زخم زبان (ملامت) بر عاشق بی‌تأثیر است، اما در بیت گزینه «۱»، عاشق تقاضا دارد که ملامت نشنود، زیرا دوست ملامت‌گر او مانند عاشق، غم تنهایی را نچشیده‌است.

توضیح: به نظر می‌رسد ابیات گزینه‌های «۳» و «۴» هم مفهوم‌اند، ولی ابیات گزینه‌های «۱» و «۲» مفاهیم دیگری را بیان می‌کنند. پس اگر بخواهیم دقیق قضاوت کنیم سؤال پاسخ محصلی ندارد.

۱۷۱- گزینه ۱

مفهوم شعر سؤال امیدواری نسبت به آینده است در حالی که در بیت اول سخن از پایان‌ناپذیری شب تنهایی و ناامیدی است.

۱۷۲- گزینه ۳

مضمون گزینه «۳»، «بی‌مهری به یکدیگر» است در حالی که در سه گزینه دیگر عاملی ظالم باعث آسیب به زیبایی‌ها و لذت‌ها شده است.

۱۷۳- گزینه ۲

در عبارت مورد سؤال می‌گوید که: «من گوش شنوا ندارم، با چه کسی سخن می‌گویی و چه کسی را می‌خواهی نصیحت کنی»، که مفهوم آن «نپذیرفتن نصیحت و پندناپذیری» است. در بیت گزینه ی «۲» هم از نصیحت گو می‌خواهد که نصیحت‌گویی را کنار بگذارد و مفهوم این بیت نیز «نپذیرفتن نصیحت» است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: انسان باید به پند و اندرز دیگران گوش کند.

گزینه «۳»: اگر ظواهر را کنار بگذاری و به گوش ظاهری توجه نکنی، با گوش دل ذوق معنویت را درک خواهی کرد.

گزینه «۴»: ای فرزند، اگر هوشمندی به پند و اندرز توجه کن.

۱۷۴- گزینه ۲

مفهوم مشترک شعر صورت سؤال و ابیات مرتبط: بیان تجلی آفریدگار در پدیده‌های عالم و نزدیک بودن او به انسان (نحنُ اقربُ الیه من حبل الوريد)

۱۷۵- گزینه ۲

مفهوم بیت آن است که عاشق پس از اسیر عشق معشوق شدن، دیگر توان جدا شدن از وی را نخواهد داشت. در سایر ابیات چنین بیان شده که عاشق اگر توسط معشوق رنجیده شود، از او جدا خواهد شد و به او مقید نخواهد ماند.

۱۷۶- گزینه ۳

عبارت صورت سؤال به موضوع آفرینش قلم توسط خداوند اشاره دارد؛ این مفهوم در بیت گزینه «۳» نیز مطرح شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در ستایش ممدوح است.

گزینه «۲»: به ازلی بودن عشق اشاره دارد.

گزینه «۴»: قلم چیزهایی را که از دل برمی‌آید، بر لوح هستی می‌نویسد.

۱۷۷ - گزینه ۳

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: به لطف و عنایت و رحمت خداوند امید داشتن (توکل به لطف و عنایت الهی و ترجیح آن بر اعمال خود)

مفهوم بیت گزینه «۳»: در خدمت خلق بودن برای کسب رضای خداوند

۱۷۸ - گزینه ۲

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲» اشک ریختن در عشق است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: عقل از عشوه‌های تو درمانده شد.

گزینه «۳»: چشم تو ما را آزرده.

گزینه «۴»: رنج دوری

۱۷۹ - گزینه ۴

مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۴»: تلاش‌های من (شاعر) همواره برای نفع رساندن به مردم بوده و

خودم هیچ‌گاه به دنبال نفع شخصی نبوده‌ام. در بیت صورت سؤال شاعر از تصویر سوختن شمع و در بیت

گزینه «۴» از خم‌شدن کمان برای بیان این مفهوم کمک گرفته است.

۱۸۰- گزینه ۲

ابیات صورت سؤال را سعدی در ضمن حکایتی از «گلستان» آورده و منظور این است که اگر انسان بیشتر از دخل و درآمدش خرج کند، بالاخره روزی خواهد رسید که کفگیرش به ته دیگ بخورد. در گزینه «۲» هم شاعر شخصی را که در روز چراغ را روشن می‌کند ابله می‌داند، چرا که روغن چراغش تمام شده و شبش تاریک خواهد شد.

۱۸۱- گزینه ۴

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱ و ۲ و ۳»: تا جهان هست عشق و محبت هم خواهد بود؛ هر چند برخی از انسان‌ها بروند و برخی دیگر جای آن‌ها را بگیرند.

مفهوم بیت گزینه «۴»: عشق بود که باعث شد جهان هستی در وجود بیاید و شور و غوغایی در آن برپا کرد.

۱۸۲- گزینه ۴

در بیت «ب» شاعر در انتظار صبح (می‌تواند استعاره از وصال باشد) است و انتظار طولانی خود را به انتظار روزه‌داران برای اتمام روز و رسیدن وقت افطار تشبیه می‌کند.

در بیت «ه» نیز شاعر تمام شب را منتظر است تا نسیم صبحگاهی خبری از معشوق برایش بیاورد.

۱۸۳- گزینه ۱

بیت «ج»: شاعر از التماس و لابه خود در برابر معشوق و بی‌اعتنایی و بی‌توجهی معشوق سخن می‌گوید.

بیت «د»: منظور از «انابت و تضرع»، توبه و بازگشت به سوی خدا و استغاثه و التماس به او در حین عبادت است. در این بیت هم «اشک سحر» اشاره به همین معنا دارد.

بیت «الف»: شاعر از معشوق می‌خواهد با عشوه‌گری و نمایش زیبایی خود، شور و غوغایی در بزم جهان اندازد.

بیت «ب»: تا زمانی که غم عشق تو مانند گنجی در قلب من پایدار است، همواره در کوی خرابات ساکن خواهم بود (یعنی در این عشق ثابت‌قدم و یک‌رنگ خواهم بود).

بیت گزینه «۱» بیانگر تلاش بی‌حاصل شاعر برای گریز از بلایای زمانه است و اینکه تقدیر بر اراده شاعر پیروز است (جبرگرایی).

توجه: مولانا در بیت گزینه «۲» در خلال داستانی در مثنوی، حالتی را توصیف می‌کند که هیچ چیز در جای خود نیست (تحیر و سرگشتگی) و انسان فقط باید به خداوند توکل کند. طبق این تحلیل می‌توان گفت گزینه «۲» هم می‌تواند درست باشد. شاید طراح محترم به خاطر تأکید بر مفهوم توکل، مصراع اول این بیت را نادیده انگاشته است!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۳»: عدم رها کردن عشق معشوق تا لحظه مرگ

گزینه «۴»: تمنای کاهش سوز و گداز عشق یا رسیدن به وصال و کاهش رنج فراق

ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» همگی عقل را تقبیح می‌کنند و عشق را بسی بالاتر از آن قرار می‌دهند، اما در بیت گزینه «۲»، شاعر می‌گوید مجنون که در دیوانگی شهره است نزد ما در دشت جنون (اشاره به سلوک در مراحل عشق) جزء عقلاء حساب می‌شد.

تعبیر «دل پرداختن از هر نقش در عالم» در بیت صورت سؤال، به معنای فنای عاشق از صفات خود و دل‌بستگی‌های دنیوی است. مشابه این تعبیر در ابیات گزینه‌های «۱» و «۴» هم دیده می‌شود (خاک وجود ما - نظر بستن ز دنیا). از میان این دو گزینه بیت گزینه «۱» مفهوم نزدیک‌تری به بیت صورت سؤال دارد، زیرا در هر دوی این ابیات، بعد از فنای عاشق، معشوق و یار محل اعتبار قرار گرفته‌اند.

البته سازمان سنجش گزینه «۴» را به عنوان پاسخ سؤال ذکر کرده است!

مفهوم راضی بودن عاشق به جور و جفای معشوق و حتی خواستن جفای بیشتر از معشوق در بیت گزینه «۲» و بیت صورت سؤال دیده می‌شود.

۱۸۸ - گزینه ۳

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» این است که عاشق در راه معشوق جان خود را نیز فدا می‌کند، اما در بیت گزینه «۳» شاعر دشواری دل‌کندن از رنج عشق را بیان کرده است.

adabiat - ahmadi